

## اعتصاب در هفت تپه و بازگشت به کار اسماعیل بخشی



اعتصاب کارگران هفت تپه که روز اول مهرماه ۹۸ در اعتراض به اخراج ۲۰ کارگر این شرکت آغاز شد سرانجام روز سه شنبه ۱۲ آذر پس از ۷۳ روز، به طور مشروط و موقت پایان یافت. این اعتصاب که با خواست تمدید قرارداد بیست کارگر اخراجی و بازگشت به کار آنها آغاز شده بود، به سرعت با خواست های متعدد دیگری از جمله لغو خصوصی سازی مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و آزادی و بازگشت در صفحه ۳

## کشتی شکسته جمهوری اسلامی شناور بر امواج دریای خونین توده ها

قیام سلحشورانه توده های زحمتکش مردم ایران پس از پنج روز مبارزه خونین با سرکوب گران جمهوری اسلامی، با برجای ماندن صدها کشته، هزاران زخمی و بیش از ۱۰ هزار بازداشتی در خون فرو نشست. در پی شکست قیام و به خون تپیدن تعداد بی شماری از توده های معترض و پس از آن با باز شدن تدریجی اینترنت، اکنون با گذشت هر روز ابعاد تازه ای از گستره کشتار و جنایات جمهوری اسلامی بر ملا می شوند. ویدئوهایی که این روزها در شبکه های مجازی به اشتراک گذاشته شده اند، تماما گویای این حقیقت اند، که نیروهای امنیتی، نظامی، انتظامی و پلیس ضد شورش رژیم فاشیستی حاکم بر ایران از زمین و هوا توده های زحمتکش، جوانان جان به لب رسیده، مردم قیام کننده و حتی مردمان رهگذر در خیابان ها را به رگبار گلوله بسته اند.

شدت این کشتار، گستردگی، بیرحمی و ابعاد فاجعه بار سرکوب خونین قیام آبان ماه، اگرچه در گستره ای به وسعت تمامی ایران بوده است، اما سببیت و درنده خویی آدمکشان جمهوری اسلامی در پاره ای از شهرها و مناطق کشور از جمله ماهشهر، شیراز، شهریار، کردستان و شهرستان سرباز در سیستان و بلوچستان به قدری آشکار و عیان است، که علاوه بر واکنش عمومی توده های مردم ایران، تشکل های صنفی و سیاسی کارگران، معلمان، نویسندگان و دیگر گروه های اجتماعی موجود در داخل کشور، با واکنش شدید نهادهای بین المللی از جمله سازمان ملل و کمیساریای عالی حقوق بشر این سازمان مواجه شده است.

پس از یک هفته بی خبری از ابعاد وسیع کشتار توده های معترض و مردم قیام کننده، از همان لحظه های اولیه وصل شدن دوباره اینترنت و به چرخش درآمدن فیلم هایی که توسط مردم از آن روزهای سرکوب و کشتار ثبت شده اند، اکنون حقایق دردناکی در معرض نگاه همگان قرار گرفته است. حقایقی بسیار وحشتناک و تکان دهنده که جهان و جهانیان را به واکنش علیه جمهوری اسلامی وا داشته است.

در صفحه ۲

## قیام آبان ماه و مواضع گروه ها و تشکل های کارگران و زحمتکشان

در صفحه ۱۲

## چشم انداز مبارزات مردم عراق: انقلاب یا فرم سیاسی؟

روز جمعه ۱۵ آذر (۶ دسامبر)، عده ای "ناشناس" با حمله به معترضان مستقر در نزدیکی میدان تحریر بغداد بیش از ۲۰ نفر را کشته و ۱۳۰ نفر را مجروح کردند. یک روز پیش از آن، نیز، نیروهای حشدالشعبی (وابسته به جمهوری اسلامی) به میان معترضان رفته و با چاقو و قمه، ده ها تن را مجروح کرده بودند.

در پی این دو حمله، از سویی شب‌نظامیان تحت رهبری مقتدی صدر، موسوم به "سرایا السلام" به ظاهر به "درخواست" و برای "حفاظت" از معترضان در مرکز بغداد مستقر شده اند. گرچه بسیاری از معترضان از همان روزهای اول، مخالفت خود را با حضور رهبران احزاب موجود و چهره های

در صفحه ۵

## قیام "کار، نان، آزادی"، پیروزی یا شکست؟

پیش از ورود به بحث اصلی این نوشتار، لازم است، در مورد عنوان قیام آبان ماه که در سر تیتر این نوشتار به آن "کار، نان، آزادی" اطلاق شده توضیحی مختصر داده شود. از نظر نگارنده، این نکته بسیار حائز اهمیت است که یک قیام را با مطالبات آن، نامگذاری کنیم. متأسفانه، در ادبیات سیاسی از بسیاری از قیام-ها و انقلاب-ها تنها با تاریخ وقوع آن یا محل اصلی آغاز آن، یا القاب دیگری یاد می-شود که ربطی

در صفحه ۷



سه برابر افزایش قیمت بنزین و گرانی،  
سه برابر کشتار مردم محروم و ستمکش ایران!  
« فعالان کارگری جنوب »

در صفحه ۹

تجلی جلوه هایی از  
قیام آبان ماه در ۱۶ آذر

در صفحه ۸

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

## کشتی شکسته جمهوری اسلامی شناور بر امواج دریای خونین توده ها



گویی در مورد عدم اعلام آمار کشته شدگان وا داشته است. محمد جعفری، در آخرین اظهار نظر خود با خبرنگاران در باره اعلام نکردن تعداد کشته شدگان گفت: "علت اش اینه که [تعداد کشته شدگان] مرتب و همه روزه به صورت متغیر است؛ چون متغیر است، من امروز یک عددی بگویم ممکنه منطبق با واقعیت نباشد". این کتمان حقیقت، تنها بیانگر تعداد بالای کشته شدگان و زخمی هاست. زخمی هایی که زیر شکنجه و بازجویی هر روزه تعدادی از آنان کشته می شوند.

این بی خبری از تعداد کشته شدگان، عدم اطلاع از وضعیت وخامت بار زخمی ها که طبق سخنان محمد جعفری هر روزه تعدادی از آنان جان می بازند و نیز بی خبری از تعداد بازداشت شدگان و شرایط نابسامان زندان ها، جملگی شرایط بسیار ملتفت و نگران کننده ای بر جامعه و خانواده های جانبازان و زخمی ها و دستگیرشدگان حاکم کرده است. وضعیت نگران کننده ای که نهادهای بین المللی را نیز در مقابل این همه سکوت، بی خبری و بی توجهی جمهوری اسلامی به واکنش کشانده است.

میشل باشله، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل در بیانیه ای که روز جمعه ۶ دسامبر (۱۵ آذر) منتشر شد، یادآور شده است: "تصاویر تایید شده نشان می دهد خشونت مفرط علیه معترضان بکار رفته است، از جمله نیروهای امنیتی با اسلحه از پشت بام ساختمان دادگستری در یک شهر [جوانرود] و از هلی کوپتر در شهر دیگر [شیراز] به معترضان تیر اندازی می کنند". کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل با اشاره به تصاویر دیگری گفته است: "به نظر می رسد که نیروهای امنیتی به معترضین در حال فرار از پشت تیراندازی می کنند یا به طور مستقیم صورت یا اعضای حیاتی آنان را هدف قرار می دهند؛ به عبارت دیگر تیراندازی آنان به قصد کشتن است و این نقض آشکار تعهدات و اصول بین المللی ناظر بر کاربرد زور و نقض جدی موازین حقوق بشر است". میشل باشله، با یادآوری کشتار خونین نیزار ماهشهر توسط ماموران دولتی گفته است: "علیه تظاهر کنندگان از جمله افرادی که در حال فرار بودند یا در نیزاری نزدیک میدان پنهان شده بودند، سلاح های سنگین به کار بردند که به کشته شدن دست کم ۲۲ نفر و احتمالاً بسیار بیش از آن منجر شد... افرادی هم که در خیابان یا از خانه هایشان ناظر اتفاقات بودند، هدف شلیک قرار گرفتند".

تصویری که اکنون از کشتار وسیع جوانان در صفحه ۶

جمهوری اسلامی از پشت بام دادگستری "جوانرود" که مستقیماً به سر و سینه معترضان خیابانی شلیک می کردند، دست به دست شدن ویدئوی کشتار مردم شیراز توسط نیروهای سرکوبگر رژیم که از هلی کوپتر مردم را به رگبار بسته اند، پخش مصاحبه لیلای واتقی، فرماندار قلعه حسن خان در گفتگو با روزنامه ایران، که از دستور مستقیم خود در شلیک کردن به سوی معترضان سخن می گوید، کشتار وسیع مردم شهریار، که وبسایت کلمه تعداد کشته شدگان این شهر را دست کم ۱۰۰ نفر اعلام کرده است، سرکوب خونین توده های معترض در کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی که آمار کشته شدگان آن دست کم تا ۱۴۰ نفر گزارش شده است، گوشه های دیگری از وسعت کشتار و درنده خویی نیروهای آدمکش جمهوری اسلامی در روزهای خونین آبان است، کشتاری که این روزها در گستره ای به وسعت جهان بازتاب یافته اند. آنچه بدان اشاره شد، اما تمام ماجرا نبوده و نیست. سرکوب و کشتار مردم نه فقط در مناطق یاد شده، بلکه در گستره ای به وسعت تمامی ایران صورت گرفته است. سرکوب مردم شهرستان سرباز در سیستان و بلوچستان، نمونه دیگری از بیرحمی جمهوری اسلامی در مواجهه با توده های معترض در این شهر بوده است. مردم بپا خاسته شهرستان سرباز نیز با بیرحمی تمام توسط آدمکشان جمهوری اسلامی قتل عام شدند. طبق آمارهای منتشر شده تا کنون از کشته شدن ۶۰ نفر در این شهر گزارش شده است.

شهرهای نام برده، از جمله مناطقی هستند که سرکوب و کشتار در آن ها بسیار شدیدتر از نواحی دیگر بوده است. نظر به فیلم ها، آمار و گزارش هایی که تا کنون در شبکه های اجتماعی منتشر شده اند، مجموعه نشانه های موجود، جملگی بیانگر شدت و افسار گسیختگی نیروهای سرکوب رژیم در کشتار جوانان و مردم قیام کننده بوده است. کشتاری که با گذشت سه هفته، هنوز که هنوز است، هیات حاکمه ایران از دادن هرگونه آماری در مورد تعداد زخمی ها، کشته شدگان و دستگیری ها، خودداری می کند. این بی خبری در شرایطی است که با گذشت هر روز، آمار کشته شدگان در شبکه های مجازی بیشتر و بیشتر اعلام می شوند. سازمان ملل در آخرین گزارش خود تعداد کشته شدگان را ۲۰۸ نفر اعلام کرده است. این نهاد بین المللی در عین حال اضافه کرده است که تعداد واقعی قربانیان آبان ماه می تواند بیشتر از رقم فوق باشد. سایت کلمه با توجه به دریاقتی های خود، تا کنون تعداد کشته شدگان را ۳۶۴ نفر اعلام کرده است. در این میان، آمارهایی که در شبکه های اجتماعی، گروه های حقوق بشری و کانال های تلگرامی انتشار یافته اند، بازگو کننده رقمی بسیار بالاتر است. آمارهایی که مدام در حال افزایش نیز هستند. مجموعه اطلاعات منتشر شده در شبکه های اجتماعی از کشته شدن نزدیک به هزار نفر، زخمی شدن چندین هزار و دستگیری بیش از ۱۳ هزار نفر تاکید دارند. ارقامی که به حقیقت نزدیک اند و این همان حقیقت دردناکی است که مسئولان امنیتی رژیم از جمله محمد جعفری، دادستان کل رژیم را به سکوت و هدیان

در میان مجموعه گزارش ها و فیلم هایی که تا کنون منتشر شده اند، گزارش نوشتاری "آرش" در شرح چگونگی به رگبار بستن توده های معترض ماهشهر و به رگبار بستن جوانانی که در پی تهاجم نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به درون نیزارهای شهرک جراحی فرار کرده بودند، از همه وحشتناکتر است. در فرازهایی از گزارش "آرش" آمده است: "اهالی ماهشهر و این شهرک ها حتی یک بانک رو آتش نزدند، حتی یک مغازه هم صدمه ندید، تنها کاری که مردم کردند، درست کردن راه بندان و بستن جاده های دسترسی به منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی و بستن راه دسترسی به بندر امام خمینی بود؛ اوام با آتش زدن چند حلقه لاستیک و قرار دادن چند تا سنگ توی جاده و خاموش کردن چند تا کمپرسی و کامیون در جاده حالا فکر می کنید چه اتفاقی افتاد؟ به دستور استاندار و با مجوز شاک، سپاه خوزستان، په تیپ ویژه تکاور به ماهشهر فرستاد به همراه دو تانک (بله واقعا تانک) و شش نفربر و کلی سلاح سنگین و نیمه سنگین و حتی هلی کوپتر نظامی! به محض ورود به ماهشهر، ابتدا توی شهر چمران (جراحی) وارد شدند و مردم را به گلوله بستن. با کلاشینکف؟ خیر، با تیربار دوشکا؛ دقیقاً با تیربار دوشکا. و از هلی کوپتر هم توی شهر چمران (جراحی) به مردم عادی تیراندازی کردند. حتی به سمت مردمی که توی خونه بودن و حتی توی راه پیمایی اعتراضی شرکت نکرده بودند. در همون ساعت اول حدود ۱۷ نفر از جمله دو کودک ۴ و ۸ ساله و یک پیر زن هفتاد و چند ساله با تیر مستقیم برادران پاسدار کشته شدن. آمار بقیه کشته ها به علت فرار جوانان به بییشه ها و تیراندازی کور پاسدارها به این بییشه و نیزارها هنوز مشخص نیست". آرش در ادامه گزارش خود نوشته است: "به علت عشایری بودن بخشی از ساکنین این شهرک ها که از عشایر عرب خوزستان هستند، خیلی ها مسلح هستن و سپاه به عمد با این حمام خونی که راه انداخت مردم رو تحریک کرد... با تانک وارد شهرک شدند اما با مقابله مردمی در این شهرک ها، غائله جمع نشد. درگیری به شهرک طالقانی (کوره) کشیده شد و چون مردم این شهرک به دلیل مسلح بودن، مقابله به مثل کردن، از ساعت شش و هفت عصر سه شنبه تا ساعت یک بامداد چهارشنبه حتی یک ثانیه صدای رگبار قطع نشد". شهری که با یورش سنگین توپ و تانک و شلیک سلاح های سنگین آدمکشان جمهوری اسلامی به خون نشست و بر اساس آمار و اسناد منتشر شده دست کم تعداد ۱۰۰ نفر در این شهر قتل عام شده اند. شهری که مردمان داغدارش در مراسم سوگواری عزیزان به خون پییده شان، به یزله آواز سر دادند: "رود جراحی برایت اشک می ریزد".

انتشار گزارش و فیلم های گسترده از ابعاد کشتار جمهوری اسلامی در ماهشهر خوزستان، تنها گوشه ای از عمق جنایات و وحشیگری نیروهای جمهوری اسلامی در کشتار مردم بی دفاع بوده است. انتشار ویدئوهای متعدد از دیگر شهرهای ایران صحنه های فاجعه بارتیری را به نمایش گذاشته است. انتشار فیلم تک تیراندازان

## اعتصاب در هفت تپه و بازگشت به کار اسماعیل بخشی



اعتصاب، بدون تحقق هیچ‌یک از خواست‌های کارگران پایان یابد.

از این رو نکته بسیار مهم این است که کارگران پیشرو و فعالان و سازماندهندگان هراعتصاب، از شرایط مشخص چه در رابطه با کثرت و توانائی کارگران به ادامه اعتصاب و چه در ارتباط با حد و حدود امکان عقب نشینی کارفرما یک ارزیابی دقیق نسبی داشته باشند. آیا کارگران کثرت و توان ادامه اعتصاب طولانی مدت را دارند و تا کجا؟ آیا با ادامه اعتصاب، کارفرما همه‌ی خواست‌های کارگران را می‌پذیرد یا نمی‌پذیرد؟ اعتصاب تا کجا و چه زمانی باید ادامه یابد؟ بدترین حالت این است که اعتصاب بدون آن که حتی به یکی از خواست‌های خود برسد، حال یا در اثر خستگی کارگران و ضرورت ترمیم و بازسازی انرژی یا بی‌اعتنائی کامل کارفرما یا این هر دو و یا دلایل دیگری نظیر این‌ها به پایان برسد. بنابراین تشخیص آن لحظه مناسب و آن توازن قوا و شرایط مناسب برای ادامه یا پایان اعتصاب حائز اهمیت بسیار جدی است. پایان اعتصاب به‌ویژه یک اعتصاب طولانی مدت بدون آنکه حتی یک خواست کارگران پذیرفته شده باشد، خیلی روشن است که تأثیرات منفی بر کارگران خواهد گذاشت. در این حالت بعد از چندین هفته تلاش و مبارزه، وقتی که کارگران می‌بینند اعتصاب‌شان هیچ ثمری نداشته است این می‌تواند در میان برخی از آن‌ها تزلزل و دودلی ایجاد کند و تأثیرات منفی و بازدارنده‌ای بر حضور و مشارکت آن‌ها در اعتصابات بعدی داشته باشد.

اعتصاب طولانی مدت کارگران هفت تپه در پانزده سال گذشته، به‌رغم اتحاد و همبستگی کم‌نظیری که میان کارگران بخش‌های مختلف اعم از کارگران کارخانه و تجهیزات و کشاورزی، کارگران شاغل و بازنشسته، کارگران رسمی و روزمزد و قراردادی وجود داشت و به‌رغم شکوه و عظمتی که اعتصاب با راه‌پیمائی‌های گسترده خیابان از خود برجای گذاشت، اما بعد از بازداشت کارگر مبارز و آگاه اسماعیل بخشی و ارباب و تهدید سایر کارگران، می‌توان گفت که

در صفحه ۴

یک زمین واقعی مبارزه است که در آن کارگران به قدرت و اهمیت اتحاد خود بهتر پی می‌برند و رهبران واقعی خود را نیز بهتر می‌شناسند. هراعتصاب معمولاً با شناخت بیشتر و بهتری نسبت به کارفرما، رابطه‌ی وی با مسئولین و ادارات دولتی اعم از دستگاه قضائی، پلیسی، امنیتی و امثال آن همراه است. در هر اعتصاب که معمولاً با آموزش و پرورش رهبران عملی کارگری آمیخته است، کارگران به تدریج می‌آموزند که طرف حساب آن‌ها فقط یک سرمایه‌دار و کارفرمای مشخص نیست بلکه طرف حساب آن‌ها کل سرمایه‌داران و طبقه سرمایه‌دار است که بر کشور مسلط است و رژیم سیاسی و دولت حاکم نیز از منافع این طبقه حراست می‌کند. این‌ها و ده‌ها مورد دیگر از موضوعاتی هستند که کارگر در زمان اعتصاب می‌آموزد، مستقل از این که اعتصاب قرین پیروزی کامل شده یا تنها با پذیرش برخی از خواست‌ها پایان یافته باشد یا این که حتی هیچ‌یک از خواست‌های اعتصاب برآورده نشده باشد.

اما صرف نظر از تأثیرات کلی و عمومی هراعتصاب، موضوعی که بسیار مهم است. چگونگی و زمان پایان اعتصاب است. در هراعتصابی به‌خصوص هراعتصاب طولانی مدتی، کارگران پیشرو و سازماندهندگان اعتصاب، نه فقط بایستی این آمادگی را در خود و سایر کارگران ایجاد کنند که در هر گام، با ترفند‌ها و توطئه‌های رنگارنگی که در برابر اعتصاب ظهور می‌کند مقابله و آن‌ها را خنثی کنند، بلکه در عین حال باید ارزیابی و یا چشم‌انداز به نسبت روشنی در مورد چگونگی و زمان پایان اعتصاب نیز داشته باشند. هیچ اعتصابی نمی‌تواند و قرار نیست الی غیرالنهایی ادامه داشته باشد. اعتصاب روزی شروع می‌شود و روزی نیز پایان می‌یابد. حتی در کشورهایی که کارگران درسندیکاها و اتحادیه‌های بزرگ کارگری متشکل شده‌اند و از صندوق اعتصاب و بیمه و کمک در دوره اعتصاب برخوردار هستند نیز اعتصاب تابع همین قانونمندی است. در جمهوری اسلامی که کارگران از هرگونه امکانات و صندوق اعتصاب و تشکل‌های توده‌ای خود محروم‌اند تکلیف روشن است و بدیهی است که اعتصاب نمی‌تواند چندین ماه ادامه داشته باشد. اعتصاب با خواست یا خواست‌های معینی آغاز می‌شود که در ادامه می‌تواند خواست‌های دیگری به آن اضافه شود. اعتصابی که با تحقق کامل خواست‌ها پایان می‌گیرد، اعتصابی صد در صد موفق است. اما ممکن است کارفرما همه‌ی خواست‌های اعتصاب‌کنندگان را نپذیرد و فقط به بخشی از این خواست‌ها تن دهد. اعتصابی که در این حالت پایان می‌یابد با موفقیت نسبی همراه است. بدترین حالت این است که

به کار اسماعیل بخشی همراه و تکمیل شد. اعتصاب همراه که عمدتاً توسط بخش‌هایی از کارگران کارخانه، تجهیزات و سایر بخش‌ها و در غیاب کارگران بخش کشاورزی آغاز شده بود، به‌رغم بی‌اعتنائی‌های اولیه کارفرما و وعده‌های دروغین او و حامیان دولتی‌اش و همچنین به‌رغم توطئه‌های گوناگون برای درهم شکستن آن تا ۳۲ روز ادامه یافت. اعتصاب به‌رغم احضارها و تهدیدهای مکرر فعالان آن و بازداشت بیست تن از کارگران که اغلب آن‌ها نقش مهمی در اعتصاب داشتند و به‌رغم آنکه از عدم حضور کارگران بخش کشاورزی در رنج بود اما توانست از تمام پیچ و خم‌ها و کمین‌های مین‌گذاری شده و خطرات نفاق افکنانه‌ای که کارفرما و حامیان دولتی آن بر سر راه آن قراردادها بودند به سلامت عبور کند و بیش از یک ماه دوام آورد. جریان اعتصاب شمار بیشتری از کارگران پیشرو را به صحنه فرستاد و رهبران عملی بیشتری را در مکتب خود آموزش داد.

با آغاز اعتصاب و تجمع کارگران روزمزد و قرارداد موقت کشاورزی در ۱۳ آبان ۹۸ که مورد حمایت کارگران کارخانه و تجهیزات و سایر بخش‌ها قرار گرفت، اتحاد و همبستگی کارگران هفت تپه گسترده تر شد. اگرچه غیبت کارگران کشاورزی در اعتصابی که از اول مهر شروع شده بود نقص و ضعف بزرگ اعتصاب بود و می‌توانست ضربات کارفرما و حامیان دولتی آن به اعتصاب از همین نقطه بر اعتصاب وارد آید و آن را تا حد یک شکاف و نفاق میان کارگران امتداد دهد و اعتصاب را به شکست بیانجامد، اما هوشیاری کامل کارگران پیشرو و نقش آن‌ها در آگاهی‌رسانی و تأکید بر ضرورت اتحاد، هرگونه توطئه برای ایجاد دوستگی در میان کارگران را خنثی کرد. کارگران هفت تپه بار دیگر نمونه درخشانی از اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگری را به نمایش گذاشتند. حفظ هوشیاری و اتحادی که ثمره‌ی این هوشیاری و آگاهی‌رسانی کارگران پیشرو بود، تأثیرات بسیار مثبتی هم بر روی کارگران روزمزد و قرار داد موقت کشاورزی و هم بر روند ادامه اعتصاب و نتایج آن برجای گذاشت. این اعتصابات که در مجموع بیش از دوماه ادامه یافت، پس از ۷۲ روز سرانجام در روز ۱۲ آذر ۹۸ وبا پذیرش بخش‌هایی از خواست‌های کارگران توسط کارفرما و حامیان دولتی آن، بطور مشروط و موقت وبا موفقیت نسبی پایان یافت. نیازی به گفتن نیست که هراعتصابی حتی اگر هیچ‌یک از خواست‌های اعتصاب هم تحقق نیابد، دستاوردهای مفیدی برای کارگران به همراه دارد. کارگران در هر اعتصاب ضعف و کمبودهای خود را بهتر می‌شناسند، از اعتصاب درس و تجربه می‌اندوزند و آن درس‌ها و تجارب را در اعتصابات بعدی به‌کار می‌بندند. اعتصاب

**زنده باد استقلال طبقاتی کارگران**

## اعتصاب در هفت تپه و بازگشت به کار اسماعیل بخشی

ها عملی شود. آنان اکیداً هشدار داده اند در صورت عدم بازگشت به کار اخراجی ها و بسته شدن پرونده های قضائی و قطعیت یافتن قراردادکار اسماعیل بخشی و بازگشت به کار وی، اعتصاب را از سر خواهند گرفت و اعتراض خود را این بار به خیابان و مقابل فرمانداری خواهند برد. کارگران هفت تپه قویاً هشدار داده اند اگر از پذیرش خواست هایشان امتناع شود، خواست ها و اعتراضات خود را به میان سایر کارگران و عموم زحمتکشان خواهند برد به نحوی که با برپائی اعتصابات و اعتراضات خیابانی چند هزار نفره، توفان اعتصاب کل خوزستان را درنوردد.

بهرغم آنکه یکی از خواست های اصلی کارگران هفت تپه یعنی لغو خصوصی سازی شرکت هنوز پذیرفته نشده است، اما هفت تپه تا همین جا موفقیت های بزرگی بدست آورده و کارگران مبارز هفت تپه نشان دادند که علی رغم دسیسه ها و توطئه های گوناگون کارفرما و دولت حامی آن، هفت تپه کماکان متحد و زنده و فعال است. هفت تپه پس از تجدید و ترمیم قوا، تا تحقق کامل خواست های خود، به مبارزه ادامه خواهد داد. هفت تپه پرورندهی علی نجاتی و اسماعیل بخشی و ده ها کارگر پیشرو است. اسماعیل در هفت تپه ندای نان کار آزادی و اداره شورائی سرداد و در دل سرمایه داران وحشت انداخت. اسماعیل مورد غضب و کینه شدید طبقه حاکم قرار گرفت و به زندان افتاد و وحشیانه شکنجه شد. اسماعیل اما به رسم طبقه خود محکم و استوار ایستاد و به همت ایستادگی و مقاومت و پایداری خود و با تلاش و مبارزه رفقای کارگر خود در هفت تپه و سرتاسر ایران ولو بطور موقت از بند و زندان رهاشد. کانال تلگرام سندیکای کارگران نی شک هفت تپه و کال مستقل کارگران هفت تپه با انتشار عکسی از اسماعیل بخشی در کنار یاران خویش، از بازگشت به کار اسماعیل خبر داده اند. همهی کارگران کشت و صنعت نی شکر هفت تپه آغوش خود را به روی اسماعیل گشوده اند تا او به کار و پیکار خویش ادامه دهد. هفت تپه نه، خوزستان و فراتر از آن تمام جنبش طبقه کارگر، اسماعیل بخشی پاره ی تن خویش را در آغوش می کشد.

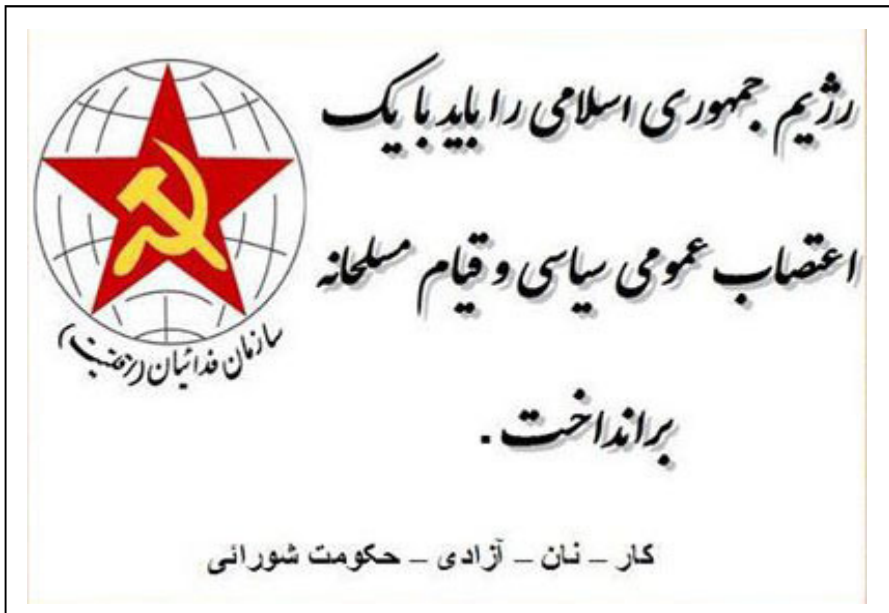
کارگران و کارفرما جلوه دهند. "توافق"ی که در اساس توافق نبود بلکه دربرگیرنده امیال یک طرفه ی کارفرما بود. اما کارگران هفت تپه هوشیار تر از آن بودند که در دام فریب کاران گرفتار شوند. کارگران به فوریت مچ این دغل کاران را گرفتند و سریعاً دست رد بر سینه این طرح توطئه آمیز زدند و آن را بی اعتبار خواندند و تنها زمانی که خواستهایشان ( که در بالا به آن اشاره شد) پذیرفته شد حاضر شدند به طور مشروط و موقت به اعتصاب پایان دهند. کارگرانی که اقدام به امضای صورت جلسه کرده بودند نیز دریافتند که بایستی بیش از این هوشیار باشند و بدانند که کارفرما برای ضربه زدن بر کارگران به هر بهانه و ابزاری متوسل می شود.

استمرار اعتصاب و مهم تر از آن ایستادگی مبارزاتی، شجاعت و نترسی از اقدامات سرکوبگرانه و بالاخره حفظ هوشیاری و خنثی سازی تلاش های کارفرما و عوامل ریز و درشت آن برای ایجاد نفاق و چند دستگی در میان کارگران، از جمله مهم ترین دلایل پیروزی اعتصاب اخیر کارگران هفت تپه است. تشخیص به موقع زمان پایان اعتصاب و تصمیم سنجیده در این مورد پس از کسب چندین امتیاز، از نقاط قوت دیگر این اعتصاب است. اگرچه اعتصاب کارگران هفت تپه تا همین جا با موفقیت های شایان توجهی توأم گشته و عقب نشینی هائی را بر کارفرما و حامیان دولتی آن تحمیل نموده است، اما این احتمال وجود دارد که کارفرما و به حامیان وی به تعهدات خود پای بند نباشند و به آن پشت بپازند. از این رو بسیار ضروری است که کارگران هفت تپه هوشیاری کامل خود را حفظ کنند. کارگران هفت تپه مختومه اعلام شدن پرونده ابراهیم عباسی، محمد خنیفر و یوسف بهمنی در داسرای شوش و بازگشت به کار محمد خنیفر و ایمان اخضری را هر روزه رصد می کنند. کارگران هشدار داده اند و نهایتاً تا چهارشنبه آینده ۲۰ آذر مهلت داده اند که این خواست

درنماناسب ترین لحظه ممکن و پس از آن که کارگران فرصت امتیاز گیری را از دست داده بودند پایان گرفت.

امسال اما اعتصاب ۷۳ روزه هفت تپه به رغم آنکه در آغاز از آن اتحاد و همبستگی گسترده و فراگیر بخش های مختلف محروم ماند و اتحاد کارگران از این جنبه آسیب دید، اما این اعتصاب زمانی به طور مشروط و موقت پایان یافت که کارگران امتیازات معینی بدست آوردند و برخی از خواست های خود را بر کارفرما و حامیان وی تحمیل کردند. از این بابت اعتصاب امسال نسبت به اعتصاب سال گذشته گام بسیار مهمی به جلو محسوب می شود. " کانال مستقل کارگران هفت تپه " در مورد خواست هائی که پذیرفته شده چنین نوشته است " نظر به تعهد کارفرما برای بازگشت به کار همکاران اخراجی ظرف کمتر از پنج روز، نظر به قول اکید به بستن تمام پرونده های مفتوحه علیه همکاران در داسرای شوش، همچنین با توجه به سلب اختیار از کارفرما برای اخراج خارج از کمیته انضباطی، تهیه و توزیع سالی دوبار لباس کار و کفش، زمان بندی معین و مکتوب ارائه شده برای پرداخت حقوق ( حقوق مهرماه در تاریخ بیست و شش آذر، حقوق آبان در پنجم دیماه و حقوق دیماه به بعد سر مود و بدون تاخیر )، پرداخت مطالبات بازنشستگان نهایتاً تا سه ماه آینده، تمدید بی چون و چرا و فوری دفترچه بیمه و پرداخت لیست بیمه، تامین مطالبات عرفی، حق همسر، سختی کار، ایاب و ذهاب، پاداش و بهره برداری، پرداختی ماه رمضان و... افزایش حق غذا و موارد متعدد دیگری، امروز سه شنبه جمعی از همکاران حاضر در اعتصاب با قبول موقت و مشروط صورتجلسه امضا شده بین کارفرما و مسئولین شهر تصمیم گرفتند تا موقتا اعتصاب را معلق کنند."

تحمیل این خواست ها البته آسان میسر نشد. کارفرما و حامیان دولتی آن صرف نظر از برخورد های سرکوب گرانه و ارباب و تهدید و بازداشت بسیاری از کارگران در طول اعتصاب، تا آخرین لحظات به توطئه و نیرنگ علیه کارگران اعتصابی ادامه دادند. آن ها برای درهم شکستن اعتصاب و پایان دادن به اعتصاب بدون آنکه کم ترین خواستی از کارگران را بپذیرند، تا آخرین لحظات به تلاش های مذبحانه خود ادامه دادند. از جمله این که آن ها با تهیه صورت جلسه مورخ ۱۱ آذر که برخی کارگران و نمایندگان دولت و کارفرما نیز در آن حضور داشتند، سعی کردند سرکارگران کلاه بگذارند. در این صورت جلسه به پذیرش خواست های کارگران منجمله زمان پرداخت حقوق های معوقه و تعهدات کارفرما برای بازگرداندن کارگران اخراجی به کار، هیچ اشاره ای نشده اما در عوض برپایان اعتصاب تأکید شده بود. تنی چند از کارگرانی که در این جلسه حضور داشتند نیز صرفاً به عنوان دریافت صورت جلسه آن را امضاء کرده بودند. کارفرما و حامیان دولتی آن با این ترفند تلاش کردند بدون آنکه هیچ امتیازی به کارگران بدهند، به اعتصاب آن ها پایان دهند. آنان تلاش کردند این صورت جلسه را توافق



## چشم‌انداز مبارزات مردم عراق: انقلاب یا رفرم سیاسی؟

سرشناس سیاسی در اعتراضاتشان اعلام کرده و اصولاً مخالفت با سیاستمدارانی که در سالیان گذشته در حکومت مسئولیت داشته‌اند یا از سیستم "سهمیه‌بندی" فرقه‌ای - قومی بهره‌مندند، از موارد اصلی مورد اعتراض آنان بوده است. از سوی دیگر، پس از این حملات، ارتش نیز اعلام کرده است که برای "دفاع از غیر نظامیان معترض" در مرکز بغداد مستقر خواهد شد. این همان ارتشی است که در دو ماه گذشته تنها ناظر کشتار صدها "غیرنظامی معترض" به دست نیروهای امنیتی و شبه‌نظامیان وابسته به ارتش با مجوز دولت بوده است و اکنون نیز بعید است که بدون دستور و موافقت سران سیاسی حکومت سرکوبگر عراق دست به چنین اقدامی زده باشد. تأمل در حوادث روزهای اخیر زنگ‌های خطر را به صدا درمی‌آورد؛ این حوادث نشان می‌دهند از آنجایی که تاکتیک سرکوب مستقیم تاکنون راه به جایی نبرده است، طبقه حاکم عراق و رهبران سیاسی آن درصددند برای فرونشاندن آتش اعتراضات در کنار سرکوب مستقیم، ترفندها و تاکتیک‌های پیچیده‌تری را به کار بندند.

در سال‌های اخیر مردم عراق در اعتراض به بیکاری، فقر، بی‌عدالتی اجتماعی، عدم دسترسی به خدماتی مانند آب و برق و فساد سیستماتیک گسترده در میان سیاستمداران این کشور بارها و بارها دست به اعتراض زده‌اند. آخرین بار، تابستان سال گذشته بود که در شهرهای جنوبی این کشور اعتراضاتی برپا شد و چندین روز ادامه یافت. در آن زمان عبدالمهدی، نخست‌وزیر وقت، توانست با وعده و وعید مردم را به خانه بازگرداند، اما به رغم گذشت نزدیک به یک سال نه تنها هیچ یک از وعده‌ها عملی نشدند بلکه وضعیت معیشتی مردم وخیم‌تر گردید. بنابراین روز اول مهر، چندین هزار نفر در بغداد به خیابان‌ها آمدند تا اعتراض خود را به وضعیت موجود اعلام کنند. زمانی که مردم به سوی پل منتهی به "منطقه سبز" رفتند، نیروهای امنیتی به روی مردم آتش گشودند. این اقدام سبب افزایش خشم مردم شد و نه تنها اعتراضات در بغداد گسترش یافت، بلکه با گسترش سریع در سایر استان‌ها و شهرها به یک جنبش توده‌ای عظیم بدل گشت و هفته‌هاست که صدها هزار نفر از مردم عراق را در شهرهای مختلف به تظاهرات ضد دولتی برانگیخته است.

پاسخ دولت به تظاهرات کنندگان سرکوب شدید بوده است. خشونت وحشیانه پلیس و نیروهای امنیتی در ۲ ماه گذشته، به قتل بیش از ۴۰۰ نفر و مجروح شدن ۱۵۰۰۰ نفر انجامیده است. آماري که در واقعیت بسی بیشتر است، زیرا این آمار رسمی پلیس و وزارت بهداشت و درمان عراق است. به علاوه طبق گزارشات، شبه‌نظامیان صدها نفر را دستگیر و تهدید و شکنجه کرده‌اند. یکی از نیروهایی که در کشتار مردم دست داشته است، گروه دست‌ساز جمهوری اسلامی، "حشدالشعبی"، است.

از دیگر ویژگی‌های دور اخیر اعتراضات توده‌های مردم، خودانگیخته‌گی آن است. در این

مدت، بیش‌ترین تلاش توده‌های معترض آن بوده است که حزب یا دسته‌ای اعتراضات را به نام خود مصادره نکند. علت نیز روشن است، زیرا سالیان مدیدی است که احزاب و دسته‌جات و گروه‌های اسلام‌گرا، با استفاده از سیستم "سهمیه‌بندی" قومی - فرقه‌ای نه تنها از امتیازات سیاسی بهره‌مند شده‌اند، بلکه به ثروت‌های کلانی نیز دست یافته‌اند. از همین روست که برچیده شدن سیستم "سهمیه‌بندی" و برکناری رهبران فاسد از خواسته‌های اصلی معترضان است.

گرچه سیستم "سهمیه‌بندی" پس از اشغال عراق توسط ایالات متحده آمریکا برقرار گشت، اما این اپوزیسیون بورژوازی دولت صدام حسین بود که در اوایل دهه ۹۰، در کنفرانسی بر سر سیستم "سهمیه‌بندی" به توافق رسید. آنان که امیدوار بودند روزی صدام سرنگون شود، سیستمی را بنا گذاشتند که طبق آن، پست‌های سیاسی و وزارتخانه‌های دولتی برحسب تعلقات مذهبی و قومی، یعنی سنی، شیعی، کرد و سایر گروه‌های قومی - فرقه‌ای را بین خود تقسیم کنند تا همه در خوان یغمای دوران پسا صدام سهیم شوند.

این سیستم که بر "تفرقه بینداز و حکومت کن" استوار است، مورد تأیید آمریکا و بعدها جمهوری اسلامی نیز قرار گرفت، زیرا به این ترتیب عراق دیگر نمی‌توانست به عنوان کشوری مستقل و خودگردان روی پای خود بایستد و دست این کشورها در دخالت در امور داخلی عراق باز می‌ماند.

این سیستم، افزایش شکاف‌های قومی - فرقه‌ای را به دنبال آورد و کشور را طی سالیان گذشته، به ورطه تنش‌ها، درگیری‌ها و جنگ‌های داخلی کشانده که تاروپود جامعه را از هم دریده است. از پیامدهای دیگر این سیستم، با اختلاف‌افکنی و تنش‌آفرینی میان سنی و شیعه، کرد و مسیحی و... زمینه‌های ظهور شبه‌نظامیان خشونت‌طلبی را فراهم آورده است که هر یک در خدمت اهداف این حزب یا آن گروه اسلام‌گرا و حتا کشورهای خارجی از جمله ایالات متحده آمریکا و همپیمانانش با کشورهای ارتجاعی منطقه مانند جمهوری اسلامی و عربستان قرار دارند. از دیگر عواقب وخیم سیستم "سهمیه‌بندی"، گشوده شدن راه فساد و غارت حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان این کشور است. چنان که در علوم سیاسی نیز این سیستم، "سیستم تاراج" نام دارد.

عراق بعد از عربستان سعودی و روسیه، سومین تولیدکننده بزرگ نفت در جهان است، و از سال ۲۰۰۵ تاکنون ۱ تریلیون دلار درآمد نصیب کشور کرده است. ۹۰ درصد از بودجه دولت از محل درآمدهای نفت تأمین می‌شود و سران سیاسی و احزاب عراق با اتکا به سیستم "سهمیه‌بندی" و با استفاده از پست و مقام و نفوذ خود در ارگان‌های دولتی، این درآمد را مستقیم و علنی یا غیر مستقیم و از راه فساد و رشوه‌خواری بین خود و پیروانشان تقسیم می‌کنند. بخش زیادی از سرمایه‌های خارجی در صنعت نفت سرمایه‌گذاری شده‌اند، یعنی رشته‌ای که تنها یک درصد از نیروی کار کشور را به

استخدام در آورده است، اما بخش دولتی با عرضه ۶۰ درصد مشاغل تمام وقت، بزرگترین کارفرما است. این رقم مربوط به سال ۲۰۱۱ است و مسلماً از آن زمان تاکنون این ارقام افزایش یافته است، زیرا یافتن کار بدون پارتی‌بازی و روابط سیاسی ناممکن است. بنابراین بسیاری برای یافتن کار به یکی از احزاب و گروه‌ها می‌پیوندند. در نتیجه، درآمد نفتی که می‌توانست در خدمت بهبود وضعیت زندگی مردم پس از دهه‌ها جنگ داخلی و تحریم و اشغال نظامی و جنگ داخلی قرار گیرد، امروزه برای فریب کردن سران احزاب و دستجات سیاسی و خرید وفاداری سیاسی به کار گرفته می‌شود یا برای تجهیز و گسترش نیروهای سرکوب. اکنون تنها ۲ میلیون نیروهای امنیتی و نظامی از جمله حقوق‌بگیران دولتی هستند.

سیستم "سهمیه‌بندی" به جز جنبه‌های مخرب فوق، موجب می‌شود بسیاری از پروژه‌ها و طرح‌ها عقیم شوند. به گفته یک مطلع، "اگر وزارت آموزش عالی بخواهد پروژه‌های راه‌اندازی کند، وزارت نفت زیر پای آن را خالی می‌کند چون در دست گروه دیگری است." بی‌دلیل نیست که مردم علیه این سیستم شوریده‌اند و "نه سنی، نه شیعه، نه مسیحی. ما همه عراقی هستیم" از شعارهای فراگیر اعتراضات اخیر شده است.

سرانجام معترضان پس از هفته‌ها اعتراض موفق شدند نخست‌وزیر عراق، عبدالمهدی، را به کنارگیری وادارند. او روز ۲۹ نوامبر، در پی کشتاری که در دو شهر جنوبی عراق و بغداد، به ویژه ناصریه، به وقوع پیوست و به مرگ ۶۲ تن انجامید، حاضر به استعفا شد. طبق قوانین عراق، پس از پذیرش استعفای نخست‌وزیر، پارلمان ۱۵ روز فرصت دارد نخست‌وزیر جدید را تعیین کند و نخست‌وزیر نیز یک ماه مهلت دارد تا کابینه‌اش را تشکیل دهد. اما، نخست آن که مردم به استعفای نخست‌وزیر رضایت نداده و خواهان برکناری کل کابینه و سیاستمداران کنونی هستند؛ دوم آن که عبدالمهدی پس از انتخابات سال ۲۰۱۸ پس از مدت‌ها چانه‌زنی و زدن‌های بسیار بین گروه‌ها و دستجات و احزاب مختلف عراق و با جلب رضایت کشورهای خارجی صاحب نفوذ در عراق از جمله آمریکا و ایران توانست بر مسند نخست‌وزیری تکیه زند و بعید به نظر می‌رسد که پارلمان بتواند در متن اعتراضات، در چنین مهلتی نخست‌وزیر جدیدی را معرفی کند. مانع مهم بعدی، عدم اعتماد مردم به سیستم سیاسی کنونی است. چنان‌که در انتخابات سال ۲۰۱۸، تنها ۲۰ درصد از افراد واجد شرایط شرکت کردند. اکنون که موج اعتراضات خیابان‌ها و میدان‌های شهرها را در تصرف گرفته، بعید به نظر می‌رسد که حتا در صورت توافق میان احزاب و گروه‌ها بر سر یک کاندیدا، مردم به جان آمده از بیکاری و فقر و فساد سران سیاسی و سیستم سیاسی حاکم، به آسانی به این انتخاب تن دهند. این توده‌ای که پس از استعفای عبدالمهدی در خیابان‌ها به جشن و پایکوبی پرداختند، اما اعلام کردند این کافی نیست. آنان فریاد می‌زدند: "نه محصصه (سهمیه‌بندی)، نه سکنا ریسیم سیاسی"

## چشم‌انداز مبارزات مردم عراق: انقلاب یا رفرم سیاسی؟

### کشتی شکسته جمهوری اسلامی شناور بر امواج دریای خونین توده‌ها

محرور و توده‌های جان‌به‌لب رسیده مردم در قیام آبان ماه در گستره ایران و جهان بازتاب یافته است، تصویری خونین، بیرحمانه و مملو از صحنه‌های دلخراشی است که طی ۵ روز توسط مزدوران مسلح و آدمکش جمهوری اسلامی در شهرهای مختلف ایران صورت گرفته است. این تصویر اما، نیمی از حقیقت موجود است. نیمه دیگر شور و تحرک انقلابی موجود در جامعه است که در تلاش برای تغییر وضعیت موجود و امیدواری بیشتر به سرنگونی محتوم جمهوری اسلامی تجلی یافته است. دریای خونینی که جمهوری اسلامی در آبان ماه به راه انداخت، اکنون یک دریای آرام و راکد نیست که طبقه حاکم و نظام سیاسی پاسدار آن فاتحانه بر این باور باشند که با کشتی تَرَک برداشته می‌توانند از روی امواج متلاطم این دریای خونین عبور کنند و به ساحل نجات برسند. دریای خونین موجود، نه دریایی آرام و راکد، که دریایی بسیار پر تلاطم، خروشان همراه با امواج بلند و سرکشی است که کشتی جمهوری اسلامی را به خطر افکنده است. دریایی خشمگین که عبور از امواج پر تلاطم آن دیگر هرگز برای هیات حاکمه بیرحم و ورشکسته ایران ممکن نیست. این دریای خونین، که اکنون با خشم و استقامت و پایداری توامان با امید گسترش یابنده عموم توده‌های مردم ایران و خانواده‌های داغدار در سرنگونی جمهوری اسلامی تجلی یافته است، در آینده‌ای نزدیک کشتی سوراخ شده و تَرَک برداشته نظام فاشیستی حاکم بر ایران را در امواج بلند و سرکش خود متلاشی خواهد کرد. این اتفاق را از هم اکنون می‌توان در میانه امواج پرتلاطم دریای خونین و امواج خشم توده‌های کارگر و زحمتکش دید. توده‌های کارگر و زحمتکشی که دیگر نه می‌خواهند وضعیت موجود را تحمل کنند و نه دیگر می‌توانند به زندگی خفت‌بار در حاکمیت چنین رژیم سفاک و آدمکش ادامه دهند. این را التهاب و شور مبارزاتی موجود در جای‌جای ایران فریاد می‌زند. این را شجاعت و تحرک انقلابی نیروهای درون جامعه در ابراز همدردی علنی با خانواده‌های جانبازان و دستگیرشدگان به ما می‌گوید. این را شور و تهور و بی‌باکی مصاحبه‌های پدر و مادر پویا بختیاری در فضای ملتهب جامعه نهیب می‌زنند، این را بیانیه‌های گروه‌های مختلف اجتماعی و تحرک انقلابی آنان در محکومیت کشتار وسیع مردم قیام‌کننده در آبان ماه به ما می‌گوید، این را اعتراضات عمومی دانشجویان در روز شنبه ۱۶ آذر به صد سخن فریاد زدن، فریادی که تداوم طنین خونبار آبان ماه بود. این را هراسانی، سراسیمگی و رجزخوانی‌های بی‌سرو ته کشتی بانان کشتی سوراخ شده جمهوری اسلامی به ما می‌گوید. کشتی بانانی که اکنون کشتی‌شان در تلاطم امواج خشمگین و خروشان دریای خونینی که خود در آبان ماه ایجاد کردند، عنقریب در شرف متلاشی شدن است.

عراق برای تغییر و جان‌فشانی آنان، به ویژه در اعتراضات اخیر، باید اذعان کرد که این مبارزات و اعتراضات کمبودهایی نیز دارد که سرانجام آن را در هاله‌ای از ابهام فرومی‌برد. یکی از این کمبودها، وجود رهبری و استراتژی انقلابی برای انجام دگرگونی‌هایی است که تغییرات بنیادین در وضعیت کنونی توده‌های کارگر و زحمتکش به بار آورد. سطح نازل تشکل و آگاهی طبقاتی طبقه کارگر، موجب گردیده این طبقه نه تنها هژمونی مبارزات را در دست نگرفته، بلکه به عنوان یک طبقه نقش چشمگیری در مبارزات ایفا نکرده است. امری که علل آن را باید در شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی عراق جست. حمله نظامی و اشغال دولت‌های امپریالیستی، رشد گروه‌های اسلام‌گرا، رشد فرقه‌گرایی و سکتاریسم بر اثر سیستم سیاسی حاکم، مداخلات و تحریکات کشورهای مرتجع منطقه، درگیری‌های نظامی فرساینده داخلی، شرایط اقتصادی وخیم از جمله دلایل این عقب‌ماندگی است، اما این دلایل تغییری در این واقعیت نمی‌دهد که تا زمانی که طبقه کارگر قادر نباشد کمبودها را برطرف کند و استراتژی انقلابی کارگری را پیشروی توده‌های مردم قرار دهد، سرنگونی طبقه حاکم از طریق یک انقلاب اجتماعی، یعنی تنها انقلابی که قادر است تمام مطالبات توده‌های کارگر و زحمتکش را متحقق کند، به دور از انتظار خواهد بود. توده‌های عراق، اکنون، هفته‌هاست که در خیابان‌ها و میدانی شهرها قهرمانانه مبارزه و مقاومت می‌کنند، اما، هنوز (حداقل طبق اخبار تاکنونی) درصدد ایجاد سازمان یا حزبی انقلابی برنیامده‌اند، هنوز خبری از کمیته‌های محلات یا کمیته‌های کارخانه‌ها شوراها یا تشکلات توده‌ای دیگر از این دست نیست. تشکل‌های توده‌ای که با پیشرفت مبارزه و تجربه‌اندوزی بیابند و به رقیبی در برابر احزاب و سازمان‌ها و باندهای اسلام‌گرا و در مجموع نهادهای طبقه سرمایه‌داری حاکم تبدیل شوند. درباره ماهیت حزب فرصت‌طلب و اپورتونیست موسوم به "حزب کمونیست عراق" همین بس که در شرایط بحرانی عراق و با وجود پتانسیل بالای مبارزاتی در میان توده‌های مردم، بی‌اعتنا به مردم، با یکی از جریان‌های اسلام‌گرای مرتجع ائتلاف می‌کند تا از خوان یغمای "سه‌می‌بندی" بهره‌ای نصیب‌اش شود. بر چنین بستری، در صورت استمرار این وضعیت، چشم‌انداز این مبارزات، با وجود ایستادگی و قداکاری‌های مردم در بهترین حالت تحقق برخی رفرم‌های سیاسی است که باز هم دامنه و عمق آن‌ها به آگاهی و مبارزات مردم بستگی دارد. اما این پایان راه نیست. بدیهی است که تحقق کامل مطالبات توده‌های عراق مستلزم دگرگونی‌های انقلابی در نظم اقتصادی - سیاسی کنونی است، اما در مرحله کنونی، حتی تحقق رفرم‌های سیاسی هر چه رادیکال‌تر و گسترده‌تر، گام‌های بلندتری به پیش هستند. گام‌هایی که آغازی خواهند بود بر دگرگونی‌های انقلابی آینده.

خواست مردمی که به اعتراض برخاسته‌اند، روشن است: استعفای تمام کابینه، انحلال مجلس، انحلال احزاب سیاسی، برقراری یک نظام سیاسی جدید غیر فرقه‌ای و تحقق تمام مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی‌شان. گرچه اعتراضات اخیر، بدون فراخوان یا حتا همراهی احزاب و دسته‌جات سیاسی آغاز شد، و آنان نیز از دامنه و سرعت گسترش آن غافلگیر شدند، اما استمرار اعتراضات، شکاف‌هایی میان رهبران سیاسی و مذهبی انداخته است. برای نمونه مقتدی صدر که به یاری ائتلاف‌اش (سانرون)، بزرگترین بلوک پارلمانی را در اختیار دارد و از کسانی است که در پی زدوبندهای سیاسی عبدالمهدی را به مقام نخست‌وزیری رساند، در پی اعتراضات، از دولت ائتلافی خارج و خواهان برگزاری انتخابات زودهنگام مجلس، و کنارگیری او شد، و پس از استعفای نخست‌وزیر نیز پیشنهاد داد جانشین عبدالمهدی از طریق همه‌پرسی مستقیم انتخاب شود. پیشنهادی که جز یک ژست توخالی سیاسی چیزی نیست، زیرا مغایر با قوانین عراق است.

حتا پس از آن که پارلمان عراق در واکنش نسبت به خواسته‌های معترضان مجموعه‌ای از اقدامات اصلاحی از جمله، تشکیل کمیته اصلاح قانون اساسی ظرف چهار ماه، انحلال شوراهای استانی و شهری و نواحی، لغو امتیازات آوارگان رفحاء، لغو امتیاز رؤسای سه‌گانه (رییس جمهوری، نخست وزیر و رییس پارلمان)، نمایندگان پارلمان، مدیران بلندپایه و لغو قانون دریافت حقوق از چند منبع را به تصویب رساند، مردم به این پیشنهادات اعتنایی نکردند و به اعتراضات خود ادامه دادند. مقتدی صدر نیز، فرصت‌طلبانه، این مصوبات را صوری اعلام کرد و از معترضان خواست به اعتراضات خود تا پیگرد مفسدان اقتصادی ادامه دهند. در نتیجه‌ی این شکاف‌ها میان هیئت حاکمه عراق، و به رغم ددمنشی نیروهای سرکوب، دولت عراق نتوانسته، آن گونه که قاسم سلیمانی و خامنه‌ای توصیه کرده‌اند، با تمام قوا به سرکوب معترضان بپردازد.

از دیگر نکات مورد اعتراض مردم عراق، دخالت دولت‌های خارجی و در رأس آن‌ها، جمهوری اسلامی در امور داخلی عراق است که به فرقه‌گرایی، درگیری‌های داخلی، سرکوب و فساد دامن زده است. جمهوری اسلامی نه تنها به تشکیل و تجهیز گروه‌های شبه‌نظامی از جمله حشدالشعبی پرداخته، بلکه در تمام امور داخلی عراق، از جمله عزل و نصب نخست‌وزیرها نیز مداخله می‌کند. امری که خشم معترضان را برانگیخته و دو هفته پیش دو بار کنسولگری ایران در نجف را طعمه آتش ساخت. آتش خشم مردم عراق علیه جمهوری اسلامی مدت‌های زیادیست که زبانه کشیده است. از همین‌رو، استقلال از دولت‌های خارجی به ویژه ایران، از شعارهای انتخاباتی احزاب و ائتلاف‌ها برای جلب آرا در انتخابات سال ۲۰۱۸ بود. با وجود عزم تحسین‌برانگیز توده‌های مردم

## قیام "کار، نان، آزادی"، پیروزی یا شکست؟



تمام خفقان و دیکتاتوری خشنی که بر جامعه حاکم است، در مقابل این سیاست-ها که افزایش بهای بنزین و قطع یارانه‌ها یکی از آن-ها می‌باشد، ایستادگی و مبارزه می‌کنند و رژیم جمهوری اسلامی به هیچوجه قادر به پیاده کردن این سیاست-ها بدون به خطر افتادن جدی بقای خود نمی‌باشد. در واقع با قیام "کار، نان، آزادی" تاریخ مصرف جمهوری اسلامی به شکل موجود، حتی برای نظام سرمایه‌داری جهانی نیز به پایان رسید.

تمام این ضربات مهلک به پیکر فاسد نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی، دلایل روشن شکست رژیم، اگرچه نه شکستی نهایی، و علامت پیروزی قیام، اگرچه نه هنوز پیروزی نهایی، را اثبات

می‌کنند. اما از جنبه‌ای دیگر لازم است به ویژگی قیام اشاره کرد که می‌توان از آن به عنوان یک پیروزی نهایی نام برد و آن پیروزی اخلاقی و ارزشی قیام "کار، نان، آزادی" است.

جمهوری اسلامی در طول حکومت فاسد و خشن خود، بیش از چهل سال با تمام ابزار تبلیغی و نهادهای خود تلاش کرد تا جامعه را نه تنها به انحطاط کامل بکشاند، بلکه این انحطاط اخلاقی و ارزشی را امری بدیهی، طبیعی و ذاتی انسان-ها نشان دهد تا خشونت خود را توجیه کند، خشونتی که خود سرمنشا منحصر تمام این ناهنجاری-ها بود. هنوز زمانی دور، پیش از دی ماه ۹۶ نبود که به نظر می‌آمد، رژیم موفق شده فرهنگ عقب-افتاده و ارتجاعی مذهبی و ضد ارزش نظام سرمایه‌داری را بر جامعه مستولی کند. آمار بالای اعتیاد، فحشا، جرائم اجتماعی و خشونت و اما مهم‌تر، تجربه‌ی زندگی روزانه‌ی هر فرد در مواجهه با دیگر انسان-های جامعه، بسیاری را به گفتن این جمله وامی‌داشت که "هیچ کس به هیچ کس رحم نمی‌کند". این اصل کامل ضد ارزشی حاکم بر نظام سرمایه‌داری است که در آن، ثروت و قدرت و در واقع مالکیت خصوصی تنها ملاک ارزشمند بودن انسان-هاست. نظام سرمایه داری که در آن فرد در روند تولیدی که محصول کارش به خود او تعلق ندارد، منجر به بیگانگی انسان نسبت به محصول کارش، نسبت به خود، نسبت به انسان‌های دیگر و نسبت به طبیعت می‌شود. علاوه بر رشد این ضدا ارزش‌های حاصل نظام سرمایه‌داری، ماهیت استبداد دینی جمهوری اسلامی، خرافه-

اقتدار که مبارزه را همچنان در اشکال دیگر، پس از عقب‌نشینی موضعی توده‌های مردم از خیابان-ها، ادامه می‌دهند، مشاهده کرد. همچنین در واکنش خانواده‌های قربانیان، که جبران ناپذیرترین صدمه‌های انسانی را دیده‌اند، و اجساد غرق خون جگرگوشه‌های-شان را بر روی دستان-شان حمل کردند، به وضوح روحیه-ی مبارزاتی و تسلیم-ناپذیری را بازیافت. این واکنش نه تنها از سوی خانواده‌ها، بلکه به صورت جمعی در موارد متعددی در مراسم عزاداری، از جمله در ماهشهر قابل مشاهده است.

بنابراین اولین استدلال برای شکست رژیم و پیروزی قیام، عدم موفقیت جمهوری اسلامی در سرکوب قیام "کار، نان، آزادی" است، در حالی که باید در نظر داشت، که این بار حتی برخلاف قیام دی ماه ۹۶، رژیم با تمام نیروی مسلح خود وارد میدان شده بود. در نظر داشتن این امر، به شناخت قدرت و توان این قیام می‌افزاید.

اما برای اثبات این ادعا که قیام "کار، نان، آزادی" نه تنها شکست نخورده است، بلکه در همان چند روز آغاز خود، ضربات مهلکی به رژیم وارد کرد، دلایل متعدد دیگری را می‌توان ذکر کرد، از جمله، تشدید بحران سیاسی حاکمیت، با ایجاد شکاف-های بسیار عمیق‌تر در جناح‌های حاکم، قوای سه گانه و بی-ثبات شدن هر چه بیشتر جایگاه ولی فقیه و بی-اعتبار شدن قدرت رژیم در منطقه که همزمان با برگزاری تظاهرات و اعتراضات در عراق و لبنان، بیشترین ضربه را از نظر سیاسی به رژیم وارد آورد. همچنین تضعیف جایگاه رژیم در مذاکرات و معاملات سیاسی و اقتصادی در سطح مناسبات بین-المللی. به ویژه قطع اینترنت، حساسیت بین-المللی را برانگیخت و جهانیان را متوجه اوضاع سیاسی ایران ساخت. این تاکتیک رژیم که به ضد خود تبدیل شد، از دو زاویه کاملاً به زیان جمهوری اسلامی تمام شد، یکی از نظر جلب همبستگی افکار عمومی با قیام کنندگان و دیگری از نظر سلب اعتماد شرکت-های اقتصادی و تأیید نداشتن ثبات سیاسی رژیم جمهوری اسلامی در پای میز مذاکرات.

یکی دیگر از مهمترین ضرباتی که قیام نه تنها به پیکر پوسیده ی جمهوری اسلامی، بلکه به نظام جهانی سرمایه داری نئولیبرال وارد ساخت، مقاومت و مبارزه علیه سیاست‌هایی بود که از سوی ارگان-های سیاست‌گذاری مالی نظام سرمایه‌داری جهانی، از جمله بانک جهانی، صندوق بین-المللی پول و بانک مرکزی اتحادیه-ی اروپا اتخاذ شده و از تمام رژیم‌های وابسته به این نظم جهانی، تحت عنوان سیاست-های ریاضتی، از جمله، قطع سوبسیدها، خدمات اجتماعی عمومی یا خصوصی-سازی-ها و ...، دیکته می‌شود. قیام "کار، نان، آزادی" نشان داد که اقتدار زحمتکش و تهیدست جامعه، با وجود

با اهداف آن قیام ندارند. برای نمونه می‌توان به قیام "بهمن ۵۷" اشاره کرد و یا "بهار عربی" و یا قیام "میدان تحریر" در مصر و غیره. با این شیوه-ی نامگذاری غیرمطالباتی، همان طور که تجربه‌های تاریخی نشان داده است، می‌توان در آینده، علل اصلی قیام-ها را از حافظه-ی جامعه به ویژه حافظه-ی نسل-های آینده پاک کرده و برای حاکمانی که دستاوردهای قیام را به غارت برده‌اند، راه تحریف علل بروز قیام-ها و مصادره-ی سیاسی آنان، در جهت مشروعیت بخشیدن به خود، باز می‌ماند. این همان تجربه-ی تاریخی قیام عدالتخواهانه و ضد دیکتاتوری مردم ایران در بهمن ۵۷ است که از سوی جمهوری اسلامی، تحریف شد و به نسل-های بعدی به عنوان قیامی صرفاً برای برپایی جمهوری اسلامی و قدرت-گیری خمینی معرفی گردید. به این ترتیب، در بازگویی حکومتی، به راحتی از محتوای ضد دیکتاتوری و عدالتخواهانه‌ی خود تهی گردید و امکان جایگزین شدن یک دیکتاتور به جای دیگری و حذف خواسته‌های عدالتخواهانه را فراهم آورد.

اما موضوع اصلی این بحث که بررسی این قیام، تا حدی که زمان حال، یعنی دو هفته پس از برپایی قیام "کار، نان، آزادی"، اجازه می‌دهد، به این ارزیابی اختصاص دارد که آیا می‌توان از شکست این قیام سخن گفت یا این که این قیام یک پیروزی، هر چند مقطعی، برای مردم تحت ستمی بود که در صحنه-ی مبارزه-ای نابرابر با دستان خالی در مقابل تمام دستگاه سرکوب رژیم از لباس شخصی-های اوباش آدمکش گرفته تا تانک و تیربار ارتش و سپاه چنان ایستادگی قهرمانانه‌ای کردند، که ارکان حکومت جمهوری اسلامی را به لرزه درآوردند.

بحث اصلی را با این سوال آغاز می‌کنم که آیا می‌توان از "سرکوب" قیام سخن گفت یا دقیق‌تر این است که از "اقدامات سرکوبگرانه‌ی رژیم" نام ببریم؟ آیا جمهوری اسلامی قادر به سرکوب قیام به معنای شکست آن بوده است؟ دقت بیشتر در کاربرد هر یک از این عبارات-ها اهمیت ویژه ای دارد، چرا که هر یک از این واژه-ها، نه تنها بار سیاسی متفاوتی دارند، بلکه تأثیر روانی متفاوتی از خود به جای می‌گذارند.

این که کشتار وسیع توده‌های به پا خاسته، کشته و مجروح شدن هزاران نفر و دستگیری‌های وسیع، به هیچوجه به معنای پایان گرفتن اعتراضات و موفقیت رژیم در حاکم ساختن فضای رعب و وحشت و نیز تحمیل تحمل و تسلیم- به توده‌های مردم معترض نبوده است، واقعیتی آشکار است.

این واقعیت را نه تنها بر مبنای اعتراف خود سران حکومتی و هم کاسه‌ای‌های به اصطلاح "اصلاح‌طلب" و فرصت طلبش در هر لباس و جامه‌ای می‌توان باز شناخت، بلکه می‌توان در ادامه‌ی اعتراضات کارگری، دانشجویی و دیگر



## تجلی جلوه‌هایی از قیام آبان ماه در ۱۶ آذر

"سرکوب پایان راه نیست، مقاومت زندگی ست" و "آبان ماه امساله، کشتار میدان ژاله"، از جمله شعارهایی بودند که روز شنبه ۱۶ آذر، صحن دانشگاه تهران را با قیام سراسری توده‌های زحمتکش مردم ایران در آبان ماه پیوند زد. شعارهایی که در همراهی با شعارهای دیگری از قبیل "خیابونا خونی شد، آزادی قربانی شد"، "جواب ما تفنگ نیست، اینهمه کشته کم نیست"، "فقر، کشتار، گرانی، مردم شدند قربانی"، "نان کار آزادی، اداره شورایی" روز دانشجو را با شور و حالی در خور تحسین به پژواک صدای مبارزات انقلابی جاری در فضای کنونی جامعه بدل کردند.

اعتراضات همزمان و پر شور دانشجویی در دانشگاه‌های مختلف کشور از جمله دانشگاه تهران، پلی تکنیک، چمران اهواز، هنر تهران، نوشیروانی بابل، رازی کرمانشا و علامه تهران، آنهم با مضمون شعارهایی که سر دادند، روز دانشجو و فضای جنبش نوین دانشجویی را با مبارزات انقلابی کارگران و عموم توده‌های زحمتکش مردم ایران پیوند دادند. این پیوند و همبستگی جنبش دانشجویی، خاصه با مبارزات کارگران در سر دادن شعار "نان کار آزادی، اداره شورایی" و نیز سر دادن پر طنین شعار "آبان ماهه امساله، کشتار میدان ژاله" تصویر پر شور و روشنی از تحرک، پویایی و زنده بودن مبارزات انقلابی در متن جامعه است. مبارزاتی که با کشتار خونین توده‌های زحمتکش مردم در روزهای پایانی آبان، نه تنها تسلیم شرایط سرکوب و کشتار بیرحمانه آدمکشان جمهوری اسلامی نشد، بلکه با اعتراضات انقلابی دانشجویان در به تصویر کشیدن کشتار آبان ماه و مقایسه آن با کشتار میدان ژاله در شهریور ۵۷، پیام قیام کنندگان را در تقویت امید به سرنگونی جمهوری اسلامی و خواست تغییر وضعیت موجود بازتاب دادند. فضایی پر تلاطم، طوفانزا و انقلابی که حسن روحانی را از رفتن به دانشگاه برای سخنرانی بازداشت تا بجایش ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه، یکی از عاملان اصلی کشتار زندانیان سیاسی در تاپستان ۶۷ و جلا و آدمکش ۴۰ ساله رژیم، در دانشگاه حضور یابد. حضوری بدون دانشجو که با شعار "قضائیه جلاخان، مقدمتان خون باران" در دانشگاه تهران مواجه شد.

آنچه در روز شنبه ۱۶ آذر، در دانشگاه تهران و دیگر دانشگاه‌های کشور رخ داد، میسر نبود مگر به یمن دوران و فضایی که اکنون در آن بسر می‌بریم. دورانی با شور و تحرک انقلابی موجود که تلاش برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تغییر وضعیت موجود را بیش از هر زمان دیگری در نزد زحمتکشان و تهیدستان و عموم توده‌های کارگر و زحمتکش تقویت کرده است. این وضعیت اکنون بیش از هر زمان دیگری در روحيات، رفتارها و خلق و خوی مبارزاتی گروه‌های مختلف اجتماعی تجلی یافته است. روحيات توده‌های کارگر و زحمتکشی که دیگر نه می‌خواهند وضعیت موجود را تحمل کنند و نه دیگر می‌توانند به زندگی خفت بار در حاکمیت نگین رژیم سفاک و آدمکش جمهوری اسلامی ادامه دهند. این تلاش برای تغییر وضعیت موجود و امید به آن را، توده‌های مردم ایران با شور و اشتیاق فراوان در جای جای ایران فریاد می‌زدند. این را شجاعت و تحرک انقلابی نیروهای درون جامعه در ابراز همدردی علنی با خانواده‌های جانبازان و دستگیرشدگان به ما می‌گوید. این را جنبش نوین دانشجویی ایران در روز شنبه با شعارهایی که سر دادند، به صد سخن فریاد زدند. این را در هراس و سراسیمگی کشتی باتان کشتی سوراخ شده جمهوری اسلامی می‌توان دید. هراس کشتی بانانی که اکنون کشتی شان در تلاطم امواج خشمگین و خروشان دریای خونینی که خود در آبان ماه به راه انداختند، اسیر شده‌اند. حاکمانی که پس از ۴۰ سال سرکوب و کشتار، ۴۰ سال غارت و چپاول و ۴۰ سال به تباهی گشاندن مردم ایران، اکنون با چشمان از حدقه درآمده ترسان و بیمناک نظاره گر درهم شکستن کشتی فروت و تَرک بر داشته‌شان در میان امواج سرکش و پر تلاطم خشم توده‌های زحمتکش مردم ایرانند.

سازمان فدائیان (اقلیت) با گرمی داشت روز دانشجو و ارج گذاشتن بر حرکت انقلابی و مبارزاتی دانشجویان در روز شنبه ۱۶ آذر، اقدامات اعتراضی آنان را گامی موثر در پیوند جنبش نوین دانشجویی با جنبش انقلابی طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش ایران می‌داند.

سازمان فدائیان (اقلیت)، جنبش دانشجویی چپ و رادیکال ایران را یکی از ستون‌های مبارزاتی توده‌های مردم ایران می‌داند و ضمن استقبال از سمت‌گیری آشکار و هرچه بیشتر آن به سوی جنبش طبقاتی کارگران، خواستار پیوند هرچه بیشتر و عمیق‌تر این جنبش با جنبش طبقه کارگر و جنبش انقلابی توده‌های زحمتکش است.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- بر قرار باد حکومت شورایی**

**زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیزم**

**نابود باد نظام سرمایه داری**

**سازمان فدائیان (اقلیت)**

**۱۷ آذر ۹۸**

**کار- نان - آزادی- حکومت شورایی**

## قیام "کار، نان، آزادی"، پیروزی یا شکست؟

پرستی را رواج داده و اعتقادات دینی را که خود در تاریخ سهم بزرگی در تسلیم به شرایط موجود و انحراف از ریشه‌ی هستی واقعی اجتماعی و مناسبات و ارتباط این مناسبات با یکدیگر می‌باشند، در خدمت مشروعیت دادن به نظم موجود، گرفته بود. در این رابطه، به ویژه، عبور از خرافات و به آتش کشیدن سبیل‌های حکومت مذهبی، بزرگترین شکست ایدئولوژیک رژیم بود که نه تنها جامعه‌ی آتی ایران را با جهشی برق آسا به سوی جدایی دین از دولت سوق می‌دهد، بلکه در طرد ارتجاع مذهبی تأثیری مهم بر کل منطقه برجای خواهد گذاشت.

قیام "کار، نان، آزادی" قیام همبستگی و همدلی انسان‌ها از هر گوشه‌ای از این سرزمین است که روایت آن را نسل‌های آینده با ذکر از خودگذشتگی‌ها و دلآوری‌های قیام‌کنندگان بازگو خواهند کرد.

این قیام نه تنها یک پیروزی تاریخی در ابعاد ارزشی، اخلاقی و ایدئولوژیک در سطح روبنایی جامعه‌ی طبقاتی ایران و رژیم استبداد مذهبی حاکم بر آن است، بلکه با پیوند مستحکم بین مطالبات فوری خود برای کار، نان، آزادی برای اولین بار در تاریخ مبارزه‌ی طبقاتی در ایران، مبارزه‌ی همزمان علیه دیکتاتوری و برای برقراری عدالت اجتماعی را با یکدیگر عین کرد.

به این ترتیب، این قیام راه گشای اعتلای مبارزه‌ی طبقاتی گردید. اکنون پیشروان جنبش کارگری می‌توانند، با تخمینی واقعی از پشتیبانی توده‌های مردم زحمتکش و در شرایطی که جهان سرمایه‌داری و رژیم جمهوری اسلامی با یک بحران عمیق اقتصادی و سیاسی مواجه شده‌اند، عزم راسخ و عمل انقلابی خود را در برپایی یک اعتصاب عمومی سیاسی نشان دهند. باشد که آن لحظه‌ی بزرگ تاریخی هر چه زودتر فرارسد، تا سایه‌ی شوم نظام سرمایه‌داری و حکومت استبدادی دینی‌اش توسط حکومت شوراهای کارگران و زحمتکشان، از تاریخ این سرزمین برای همیشه محو گردد.

(افسانه پوش)

**کار - نان - آزادی**  
**حکومت شورایی**



## سه برابر افزایش قیمت بنزین و گرانی، سه برابر کشتار مردم محروم و ستمکش ایران! « فعالان کارگری جنوب »

چه انتظاری می توان از رژیم داشت که چهل سال پیش با سرکوب خودش را به جامعه ما تحمیل کرد؟!

چه انتظاری می توان از رژیم داشت که طی چهل سال همواره با سیاست سرکوب، زندان، خشونت، ترور و اعدام به بقاء خودش ادامه داده است؟!

خیز بلند و انقلابی مردم که با یک قیام همسری می کرد، با بی رحمی و شقاوت تمام به خون کشیده شد. مردمی که چیزی برای خوردن نداشتند و گرانی، بیکاری و فقر عمومی با عث شد تا برای اعتراض به افزایش قیمت سه برابری بنزین و به تبع گرانی عمومی وارد خیابانها شوند، توسط رژیم به گلوله بسته شدند و به شکل بی رحمانه ای کشته شدند. برادری که برای نجات ویاری رساندن به برادرتیر خورده اش خود را به او می رسانده تیر می خورد و در کنار هم جان می بازند. مادری که برای نجات پسر تیر خورده اش خود را بالای سر پسرش می رساند به رگبار بسته می شود. رژیم با قطع اینترنت و سانسور مطلق رسانه ای دستهای پلید خود را روی چشم و گوش مردم می گذارد تا از هر نوع کمک ویاری به هم دیگر منع شوند. تاکنون بیش از سیصد جان باخته شناسائی شده اند. مطمئناً کشتار مردم بیش از این شمار است. همه پهنه ایران به جنینش برخاست و خون معترضین در اغلب شهرها و استانهای در خیابانها جاری گشت. رژیم در ماهشهر و در جنوب با تانک و دوشکا به رویارویی با مردم زحمتکش پرداخت. در شط و نیزارهای اطراف از زمین و آسمان به روی مردم معترض و پناه گرفته مسلسل بست. بعد از چند روز از درون نیزارها جسد های مردمی را که برای حق خواهی کشته شدند بیرون می کشیدند. در بهبهان شهر شمالی تراز ماهشهر تا کنون جسد ده جان باخته معترض شناسائی شده است. در غرب خوزستان در اندیمشک تعداد کشته ها کمتر از جانباختگان بهبهان نیستند. با این حساب که امروز هم در اندیمشک با تعقیب و پیگرد جوانان جان بدر برده معترض را در محل زندگی اشان مورد هدف گلوله قرار می دهند. در اهواز به فاصله همین چند روز جسد دو دانشجوی دانشگاه چمران در اطراف این دانشگاه پیدا شده است! بار دیگر چهره پر خش و شیار خرمشهر این شهر جنگ زده خونین می شود. تا کنون ده ها تن جان باخته و کشته شده قیام آبانماه در این شهر محروم شمارش شده اند.

خیز بلند و پرغرور مردم در آبان ۹۸، در تداوم اعتراضات هر روزه مردم در گوشه و کنار و در ادامه اعتراضات عمومی مردم در سال ۹۶ و ۹۷ است. زبونی و استیصال رژیم به گل نشسته جمهوری اسلامی نیز نتیجه چهل سال تداوم سیاستهای قهقرائی اعمال شده توسط این رژیم است. این عین واقعیت جامعه و ستیز نیروهای دوقطب است، یکی ارتجاع میرنده سرمایه داری

و دیگری نیروهای بالنده و پیشتاز اجتماعی. تمام راه های برون رفت رژیم از وضعیت موجود به بن بست منتهی شده و این ناشی از دام گهی است که رژیم خودش در مدت چهل سال ساخته و همه درها بر رویش بسته شده اند. راه برگشتی برای رژیم نمانده است. هارتر از همه دیکتاتوربیهای دهه های پیشین جهان سرمایه داری و حکومت های فاشیست به سرکوب و کشتار مردم خواهد پرداخت.

وظیفه نیروهای پیشرو جامعه بخصوص کارگران انقلابی، زحمتکشان اجتماعی، روشنفکران پیشتاز جوانان، زنان، دانشجویان و کلیه توده های مردم است که با راه کارهای انقلابی به پشتوانه برنامه و پراتیک انقلابی اجتماعی بتوانند سکان جامعه را در اختیار خود بگیرند و آنرا در مسیر سعادت و بهروزی جامعه و مردم هدایت نمایند. بی شک این مسیر بسیار صعب و سخت است. به همان اندازه ای که به عمل انقلابی نیاز دارد، دوجندان به درایت، فکر، برنامه و اندیشه انقلابی نیاز است. مدعیانی داریم که برنامه ای بهتر از برنامه رژیم موجود ندارند اما سر بزنگاه از طرف سرمایه داری جهانی و امپریالیستها بیدریغ حمایت خواهند شد. از هم اینک کارگران و زحمتکشان و توده های زن و مرد و جوانان باید با گارد بسته جلواين نیروهای دروغگو را بگیرند. ما، بیش از هر چیز احتیاج به اتحاد فشرده ای داریم، همان اتحادی که رژیم با تلاش اهریمنی خودش با کشتن برادری که برای کمک به برادر به خون غلنیده اش اقدام می کند به رگبار مسلسل می بندد تا این اتحاد انجام نگیرد! رژیم اگر تا کنون توانسته با همه تلاش خود از اتحاد نیروهای جنبش انقلابی توده ها جلوگیری کند، اما مردم معترض در قیام اخیر توانستند بر این شگرد فاشیستی رژیم غالب آیند.

دشمنان و رقیبان طبقه کارگر همه از یک قماش هستند. آنان طرفداران نظم موجود در اشکال دیگری هستند. می توانند با اتحاد با پیمان های نوشته و نانوشته دست در دست هم دیگر علیه طبقه کارگر دست به اقدام بزنند. وظیفه طبقه کارگر و کلیه نیروهای پیشتاز اجتماعی است که از هم اینک در تدارک اهداف مهم و نهائی خود باشند و این جریانات غیر راستین را به عقب برانند. وظایف کارگران در واحد های صنعتی بزرگ با قابلیت رهبری است که در میان مجموعه فعالان محیط خود رابطه قوی تشکیلاتی ایجاد کنند و با ایجاد هسته های سه تا پنج نفره با پنهان کاری تشکیلاتی روابط میان خود را گسترش بدهند. با کارگران هم رفته ای خود در جاهای دیگر ارتباط ایجاد نمایند. دانشجویان، زنان، جوانان بیکار در محیط های زندگی و کار با ایجاد هسته های سرخ مخفی چابک و راهکارهای مناسب می توانند سهم خود را در جنبش ادا کنند. ما می توانیم با پشتیبانی و حمایت جنبش کارگری در حد توان خود جنبش

اجتماعی مردم را که تاکنون خون های بسیاری برایش ریخته شده یاری رسانیم. با کارهای هر چند کوچک خود می توانیم به جنبش اجتماعی مردم کمک کنیم. "مورچگان با کار و تلاش جمعی و پیگیر خود می توانند کوه ها را جابجا کنند". شبه لآتر ناتپوهای فرصت طلب اعم از سلطنت طلب، مجاهد، جمهوری خواه دروغگو را افشاء کنیم. روشنفکران انقلابی با اتکاء به مارکسیسم، رویونیستهای بی آزر م با هر رنگ و چهره ای را افشاء کنند و همه نفرت و انزجار خود را نثار این طیف رنگارنگ نمایند. هدف کلیه نیروهای سیاسی غیر کارگری جابجائی در قدرت و خلاصه در شکل است. آنان نمی توانند به اهداف توده ای و یک انقلاب وسیع اجتماعی پاسخ بدهند. تمام سعی شان بر این است که با دور زدن مردم و با حداقل مشارکت عمومی به قدرت سیاسی برسند. طبقه کارگر و توده های اجتماعی درست در تقابل جریانات سیاسی غیر کارگری تلاش می کنند با انتخاب راه کارهای انقلابی و شعار های وسیع اجتماعی زمینه بیشترین وحدانیت مشارکت توده ای را ایجاد کنند. شعار کار، نان، آزادی - حکومت شورائی راه گشای این بستر است. نگذاریم رژیم با پرونده سازی های دروغین دستگیر شدگان را محکوم کند. ما فعالان کارگری جنوب با تلاش خود در این مسیر مبارزه می کنیم و از صمیم قلب با خانواده های جانباختگان و آسیب دیده گان قیام همدردی می نمایم. یاد و خاطره جانباختگان را فراموش نخواهیم کرد و همواره نام آنان را گرامی خواهیم داشت. جاودان باد خاطره اختران تابناک، همه جانباختگان قیام پائیز نود و هشت.

**زنده باد انقلاب وزنده باد اعتصاب عمومی**  
**سیاسی و قیام سراسری مسلحانه.**  
**نابود باد نظام سرمایه داری**  
**جمهوری اسلامی**  
**زنده باد سازماندهی محکم انقلابی**  
**زنده باد انقلاب، زنده باد سوسیالیسم**

« فعالان کارگری جنوب » - ۱۰ آذر نود و هشت  
کار، نان، آزادی، حکومت شورائی

**رژیم جمهوری اسلامی**  
**را باید با یک اعتصاب**  
**عمومی سیاسی و قیام**  
**مسلحانه برانداخت**

## قیام آبان ماه و مواضع گروه‌ها و تشکل‌های کارگران و زحمتکشان



دهند.

شورای بازنشستگان ایران در ۸ آذر ماه بیانیهای با عنوان "ادامه و تعمیق مشکلات کمرشکن معیشتی و خاموشی آتش زیر خاکستر ناممکن است!" انتشار داد. در این بیانیه آمده است: "بعد از اعتراضات سالهای ۸۸ و ۹۶، بار دیگر در آبان ۹۸ خیابانهای کثیری از شهرهای ایران شاهد شعله ور شدن اخگری سوزان شد که سالیان سال زیر خاکستر خفقان و سرکوب به حیات خود ادامه میدهد...

نارضایتی بیش از ۸۰ درصد مردم از یکسو و انعطاف ناپذیری قدرت حاکم از سوی دیگر، چاره ای جز رویارویی مدام را در پیش رو نخواهد داشت و لذا هر لحظه میتوان زلزله ی اجتماعی وسیعتر با ریشتر بالاتری را شاهد بود. انتساب این اعتراضات و نارضایتی عمومی به خارج از متن جامعه و دشمن تراشی های معمول، نخ نما تر از آن است که قابل اعتناء باشد... اکثریت مردم دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند."

کانون نویسندگان ایران نیز در تاریخ ۲۹ آبان ماه بیانیهای، با عنوان "به سرکوب مردم معترض پایان دهید"، انتشار داد و "مقابله‌ی خشونت‌بار با آزادی بیان مردم را محکوم" کرد. در بخشی از این بیانیه گفته شده است: "برآمدن دوره‌ای اعتراض‌های گسترده در ایران گواه حل نشدن مسائل و مصائب مژمنی است که گریبان جامعه را در چنگ گرفته است. هر بار که صاحبان قدرت با استفاده از قوه‌ی قهریه اعتراض‌ها را پس زده‌اند، زمانی دیگر با توان، سرعت و خشم بیشتر سر برآورده است؛ چنانکه دور تازه‌ی اعتراض مردم که از ۲۴ آبان آغاز شده به سرعت گسترش یافت و دامنه‌اش در کمتر از ۲۴ ساعت به ده‌ها شهر کوچک و بزرگ رسید.

با اعلام ضربتی افزایش چند برابری قیمت بنزین، مردم به جان آمده از فقر و تبعیض و سرکوب، همان‌ها که به اقرار دست‌اندرکاران دولت، توان تأمین معاش خانواده را ندارند و نزدیک به هشتاد درصدند، صدای اعتراض خود را بلند کردند؛ آنها که کوچکی سفرشان جای دستبرد دیگر نداشت، رنج تلنبار شده در دل و

شده‌اند. مقامات حکومتی با روشی بی سابقه در جهان، اینترنت کل کشور را قطع کردند و حتی در بعضی مناطق تلفن های همراه را نیز از دسترس خارج کردند و با اتکا به نیروهای نظامی و امنیتی و لباس شخصی‌ها و با تیراندازی مستقیم به مردم، با خشونت بی‌پایان به خیال خود صدای اعتراض فرودستان را خاموش کرده‌اند.

..... سندیکای کارگران شرکت واحد تهران اعتراضات و تجمعات را حق مسلم تمام اقشار جامعه اعم از کارگران و معلمان و دانشجویان و مزدبگیران می‌داند و ضمن ایزار تاسف و همدردی با خانواده‌های جانبختگان اعتراضات اخیر، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه بازداشت‌شدگان و معرفی و محاکمه کلیه آمرین و عوامل کشتار مردم هستیم."

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در بیانیهای تحت عنوان "سرکوب شورش گرسنگان برای داشتن نان، کار، آزادی محکوم است." نوشت: "بعد از گران شدن بی سابقه بنزین طی چند روز گذشته، مردم ستمدیده، کارگران و زحمتکشان که از فقر و ناداری، گرسنگی و اختناق و... به تنگ آمده اند در بسیاری از شهر های کوچک و بزرگ و بطور خودجوش به خیابانها آمدند تا اعتراض خود را به گرانی و تمام مصیبت های موجود نشان دهند. اما متأسفانه اعتراض به حق تهیدستان و ستمدیده گان، با برخورد سرکوبگرانه مواجه شده است." گروه اتحاد بازنشستگان در نهم آذر ماه با انتشار بیانیهای نوشت:

" فریاد خشمی که از گلوگاه کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان و دانشجویان و همه مردم زحمتکش علیه فقر، بی عدالتی و تبعیض، به ویژه طی ماه های گذشته از تمامی نقاط جاری گشته بود، به همصدایی و خیزش گسترده اکثریت زحمتکش بی چیز و فراموش شده حاشیه ها پیوست." بیانیه با اشاره به افزایش بهای بنزین و آوار شدن تأثیرات آن بر سر زحمتکشان، به واکنش رژیم می‌پردازد و می‌افزاید:

"لشکرکشی گسترده با استفاده از تمام امکانات و سلاح های کشتارگر نظامی، گسیل انواع و اقسام نیروهای نظامی و انتظامی و استفاده از افراد آموزش دیده بسیج برای سرکوب معترضان تجلی جنگ تمام عیار بر علیه مردم حق طلبی می باشد که برای اعتراض به گرانی روز افزون مایحتاج زندگی فریاد می زدند. بی دلیل نیست که این خشونت و کشتار سازمان یافته از سوی مسئولان حکومت به جنگ تشبیه می گردد و از خیابان های شهرها هم به عنوان جبهه های جنگی نام برده می شود. مردم نیز دشمنانی تلقی می گردند که ریختن خونشان " واجب شرعی " است. معادله ای که دستگاه قدرت برای مردم زحمتکش ترسیم می کند هیچ راهی برای حل بحران باقی نمی گذارد جز آنکه مردم ستمدیده به نیرو و قدرت خود اتکا داشته باشند و با آگاهی، تشکل و اتحاد این معادله نابرابر را به نفع خود تغییر

انزجار از رژیم ددمنش جمهوری اسلامی را در همه جا برانگیخته است. پاسداران نظم سرمایه‌داری در قساوت و بیرحمی، کشتار و ویرانگری از هیچ جنایتی فرو گذار نکردند. آن‌ها مردمی را که با دست خالی در خیابان‌ها به اعتراض برخاسته بودند، به گلوله بستند. در ماهشهر با تانک و هلی‌کوپتر به جنگ مردم بی دفاع برخاستند. پس از گذشت سه هفته از آغاز قیام قهرمانانه توده‌های ستمدیده در اعتراض به فقر، گرانی، بیکاری، بی‌حقوقی و استبداد، هنوز ابعاد جنایت هولناک رژیم کاملاً روشن نیست. تازه به مرور اخباری از تعداد کشته‌ها و مجروحان به خارج از مرزها می‌رسد. رژیم سرکوب و کشتار، هنوز هیچ آماری از تعداد کشته‌ها، زخمی‌ها و بازداشت‌شدگان انتشار نداده است. بر طبق اخبار غیر رسمی، تعداد جانبختگان از ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر اعلام شده است. از تعداد مجروحان و آنهایی که در نتیجه اصابت گلوله، شدیداً مصدوم شده‌اند، هیچ خبری انتشار نیافته است. تعداد بازداشت‌شدگان، متجاوز از ۸۰۰۰ اعلام شده است. رژیم به این سرکوب و کشتار وحشیانه متوسل شد تا گویا صدای هر اعتراضی را خفه کند، اما برعکس، اعتراض و مخالفت با این رژیم خونخوار به شدت افزایش یافته است. بازتاب آن را می‌توان در بیانیهای رادیکالی نیز یافت که در پی این جنایت از سوی گروه‌ها و تشکل‌های مختلف کارگران و زحمتکشان در داخل ایران انتشار یافت که قاطعانه وحشی‌گری رژیم جمهوری اسلامی را محکوم کردند و همبستگی خود را با قیام کنندگان و خانواده‌های جانبختگان اعلام نمودند. این بیانیها که پس از این سرکوب و کشتار وحشیانه انتشار یافته، نشان می‌دهند که میلیون‌ها تن از مردم ایران هرگز مرعوب نشده، بلکه پیگیرتر از گذشته، مصمم به ادامه مبارزه و تشدید آن تا برانداختن رژیم هستند. بنا به اهمیت این بیانیها در اوضاع سیاسی جاری، ضروری است که در این شماره نشریه کار به گزیده‌هایی از چند نمونه آن نظری بیافکنیم:

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ۱۰ آذر ماه در بیانیهای تحت عنوان "سرکوب و کشتار خونین معترضین فرودست در سراسر کشور را محکوم می‌کنیم" نوشت: " با اعلام افزایش ۳۰ درصدی نرخ بنزین، اعتراضات مردم جان به لب رسیده که عمدتاً از خانواده‌های کارگری و فرودستان هستند، فوران یافته است. درحدی نارضایتی‌ها در جامعه گسترده می‌باشد که در ظرف ۴۸ ساعت تجمعات اعتراضی مردم به بیش از صد شهر در سراسر کشور کشانده شد.

اما این اعتراضات به حق فرودستان و دردمندان، با شدت تمام و با بی‌رحمانه‌ترین شکل ممکن، سرکوب و به خون کشیده شد. طبق گزارشات موجود، صدها تن از جمله نوجوانان ۱۲ و ۱۴ ساله با گلوله کشته شده، بیش از هزار تن زخمی و بیش از هشت هزار تن بازداشت

## قیام آبان ماه و مواضع گروه‌ها و تشکل‌های کارگران و زحمتکشان

### کمک‌های مالی

#### سوئیس

۳۰ فرانک	علی‌اکبر صفایی فراهانی
۴۰ فرانک	سیامک اسدیان (اسکندر)
۳۰ فرانک	حمید اشرف
۵۰ فرانک	محمد کاسه‌چی
۵۰ فرانک	امیر نبوی
۱۰۰ دلار	ناصر

#### دانمارک

۲۰۰ کرون	هوشنگ احمدی
۲۰۰ کرون	دکتر نرمیسا
۲۰۰ کرون	خروش (دسامبر)

#### هلند

۱۰ یورو	داریوش کوهی
۴۰ یورو	داود مدائن

#### سوئد

۲۰۰ کرون	کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
----------	--

#### آلمان

۵۰ یورو	خیزش دلاوران مردم بیاد سلحشوران
۵۰ یورو	بی‌باک آبان ۹۸

#### کانادا

۲۰ دلار	رفیق راننده اتوبوس
---------	--------------------

می‌افزاید: "طبیعی‌ترین پیامد چنین وضعیتی انباشت نارضایتی‌های عمومی و شکل‌گیری اعتراض‌هایی در ابعاد کوچک و بزرگ است. اعتراض به شرایط بد اقتصادی، به فراگیر و سیستماتیک شدن فساد ناشی از انحصار ثروت و قدرت، به تبعیض و بی‌عدالتی‌های گسترده، به تسلط گفتمان ایدئولوژیکی خاص بر فرهنگ و سیاست که بیش از هر چیز توجیه‌کننده شرایط نابسامان کنونی، آن هم در جامعه‌ای است که در نتیجه بالا رفتن سطح دانش، جوانی و نوجویی، پیشرفت‌های بین‌المللی در زمینه تکنولوژی و نظام‌های ارتباطی - به رغم همه‌ی محدودیت‌های ایجاد شده - چنین شرایطی را بر نمی‌تابد."

کانون صنفی معلمان همچنین خشونت در سرکوب معترضان را شدیداً محکوم کرد. اما کانون صنفی معلمان تهران که در مواضع پیشین خود نیز نشان داده بود که هنوز لاف‌لاقی اکثریت رهبری آن از اصلاح‌طلبی شکست خورده و رسوا در ایران دل‌نکنده است، در پایان بیانیه خود اظهار نگرانی می‌کند. از چه نگران است؟ "نگران عمیق‌تر شدن شکاف میان حاکمان با مردم، بیش از آن چه تاکنون بوجود آمده است. نگران بسته شدن تمامی راه‌های مسالمت‌آمیز حل مشکلات موجود..."

آیا جز طرفداران رژیم ارتجاعی و ستمگر جمهوری اسلامی می‌توان کسانی را یافت که نگران عمیق‌تر شدن شکاف میان مردم تحت ستم با حاکمان ستمگر و ارتجاعی باشد؟ دریائی از خون میان توده‌های زحمتکش مردم ایران و "حاکمان" فاصله است و کانون صنفی معلمان نگران عمیق‌تر شدن شکاف میان حاکمان خونخوار با مردمی ستمدیده است. گرایش راست و ارتجاعی کانون با همین اظهار نظر نشان می‌دهد که هنوز از بقای رژیم ترور و اختناق، رژیم استبداد، سرکوب و کشتار دست برنداشته است. این یک فریب است که کشتار بیرحمانه مردم ایران محکوم شود، اما در همان حال نگران عمیق‌تر شدن شکاف میان مردم انقلابی و تریق‌خواه با حاکمان ضدانقلابی، ارتجاعی و واپس‌گرا بود. نگران بسته شدن "تمامی راه‌های مسالمت‌آمیز"ی بود که هرگز در ایران وجود نداشته و تنها طرفداران رسوای نظم سرمایه‌داری و استبداد دینی، مبلغ فریبکار آن بوده‌اند. بنابراین، اکنون که توده‌های وسیع مردم با قیام سرتاسری آبان ماه نشان دادند که برای نجات از نظم اسارت بار موجود، حتی آماده‌اند جان خود را نیز فدا کنند، زمان آن فرارسیده است که معلمان ایران، این گرایش "اصلاح طلب" را از رهبری تشکل‌های خود برکنار کنند و نمایندگانی را در رهبری تشکل‌های معلمان انتخاب نمایند که از برافتادن جمهوری اسلامی که خواست عموم توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران است، حمایت کنند. شایسته نیست در کشوری که میلیون‌ها تن از مردم ایران خواهان بر افتادن رژیم ستمگر، استبدادی، دینی و جنایتکار حاکم بر ایران هستند، در رهبری تشکل‌های معلمان به عنوان قشر روشنفکر

جانشان را به خیابان بردند مگر گوش شنوایی بیابند؛ اما این بار نیز با ضرب و جرح و بازداشت و گلوله‌پاسخ گرفتند. همان طور که در چهار دهه‌ی گذشته هر گاه کارگران و معلمان و زنان و دانشجویان و نویسندگان و فعالان مدنی و سیاسی مستقل برای بیان مطالبات خود، حتی مطالبات جزئی صنفی، ناگزیر دست به اعتراض زدند یا تشکلی ایجاد کردند، با انگ‌هایی چون «اخلالگر»، «وابسته به بیگانه»، «مخل امنیت ملی» و با یورش مأموران امنیتی و انتظامی و زندان مواجه شدند.... با تبدیل کردن خیابان‌های شهرها به میدان جنگ و با استفاده از خشونت و بگیر و ببند و قطع اینترنت شاید بتوان آتش مطالبات مردم را زیر خاکستر برد، اما قطعاً نمی‌توان آن را خاموش کرد."

اهمیت این بیانیه‌ها و مواضع رادیکال آنها که با حمایت بی‌قید و شرط از مبارزات و مطالبات مردم در قیام آبان ماه، به شدت اقدامات سرکوبگرانه رژیم را محکوم کرده و با خانواده‌های جان‌باختگان ابراز همبستگی کرده‌اند، به ویژه در این است که پاسخ قاطعی به رژیم و خیال‌پردازی جنایتکاران حاکم به کنترل اوضاع و مرعوب کردن مردم پس از به راه انداختن حمام خون، داده شده است. در این بیانیه‌ها تاکید شده که پایداری بر مبارزات تا پیروزی نهائی بر دشمن ستمگر توده‌های کارگر و زحمتکش مردم نخواهد بود. اما به این نکته نیز باید اشاره کرد که بیانیه‌های بخش پیشرو و آگاه جنبش کارگری، زمانی می‌توانست اهمیتش بیش از آن چیزی باشد که اکنون هست، در بحبوحه خود مبارزات توده‌ای انتشار می‌یافت. چرا که در آن صورت این بیانیه‌ها می‌توانست توده‌های وسیع‌تری را به جنبش بگشاند، تداوم آن را افزایش دهد و بر نقش و اهمیت طبقه کارگر در جنبش توده‌ای بیفزاید. گرچه روشن است که نقش قطعی طبقه کارگر در آنجائی ظاهر خواهد شد که به عنوان یک نیروی متشکل مستقل، برپا کننده یک مبارزه سراسری توده‌ای از نمونه اعتصابات سراسری باشد. این همه اما به هیچ وجه از اهمیت بیانیه‌های انتشار یافته بلافاصله پس از قیام نمی‌کاهد.

در این‌جا لازم است که به بیانیه دیگری هم اشاره شود که به نحوی متمایز از بیانیه‌های بالاست. بیانیه کانون صنفی معلمان تهران.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) نیز در تاریخ ۸ آذر ماه یک بیانیه تحلیلی پیرامون وقایع اخیر در کشور انتشار داد.

این بیانیه با اشاره به این که "جامعه ایران در دور باطلی از ناکارآمدی ساختار سیاسی، لجاجت در ادامه سیاست‌گذاری‌های غلط اقتصادی و ناتوانی در مقابله با فساد سیستماتیک اقتصادی گرفتار آمده است و پیامد طبیعی این گونه سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، اقلیتی با استفاده از اهرم‌های سیاسی منابع اصلی ثروت و قدرت سیاسی را در اختیار خود گرفته‌اند و اکثریتی زیر بار نرخ رشد تورمی کمرشکن، روز به روز فقیرتر شدن خود و عمیق‌تر شدن شکاف طبقاتی موجود در جامعه را شاهدند."

جامعه، کسانی حضور داشته باشند که به شکل پوشیده از ارتجاع حاکم بر ایران دفاع کنند، نگران عمیق‌تر شدن شکاف میان مردم و ارتجاع حاکم باشند یا ادعا کنند که گویا تاکنون راه‌های مسالمت‌آمیز حل مشکلات باز بوده و اکنون کانون صنفی معلمان تهران نگران بسته شدن آن است.

این یک وظیفه مبرم بر عهده توده‌های معلم است که تکلیف خود را با این گرایش سازشکار روشن کنند. در هر حال، جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان ایران همانگونه که تاکنون به همگان نشان داده است، مسیر خود را یافته است. به مبارزه آشنی ناپذیر با نظم ارتجاعی حاکم ادامه خواهد داد و هیچ‌گونه سازشی با جمهوری اسلامی و جناح‌های آن نخواهد داشت. افتخار فقط نصیب آنهایی خواهد شد که همراه با طبقه کارگر و مبارزات کارگران و زحمتکشان باشند و نه افراد و گروه‌هایی که برای بقای ارتجاع تلاش می‌کنند.

## قیام آبان ماه و مواضع گروه‌ها و تشکل‌های کارگران و زحمتکشان

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[https://t.me/fadaian\\_aghaliyat](https://t.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 850 December 2019

جنابای رژیم، دانشگاه‌های کشور را فراگرفته است. در چند سال اخیر چنین موج گسترده‌ای از اعتراضات تعرضی جنبش دانشجویی در ۱۶ آذر سابقه نداشته است. این مبارزات، اما در اوضاع سیاسی کنونی یک استثنا نیست، بلکه برخاسته از بحران سیاسی عمیقی است که نمودهای آن را در همه جا می‌توان دید. از این نمونه است، بیانیه‌های متعددی که تشکل‌های کارگران و زحمتکشان بلافاصله پس از کشتار وحشیانه مردم توسط رژیم جنایتکار حاکم، انتشار دادند. اقدام جنایتکارانه جانشینان خدا و رسول خدا در سرکوب و کشتار بیرحمانه مردم ایران، خشم و

در صفحه ۱۰

طوفان سیاسی که جامعه ایران را فراگرفته است، به رغم تمام فجایع وحشتناک ضدانقلاب حاکم و کشتار بیرحمانه توده‌های فقیر، زحمتکش و بیکار مردم ایران در جریان قیام سراسری آبان ماه، تا ویران کردن تمام کاخ‌های ستمگران و برچیدن تمام بساط پاسداران نظم سرمایه و الله فرو نخواهد نشست. هنوز خون‌های بر زمین ریخته جان باختگان قیام آبان ماه خشک نشده، که بر خلاف پندارهای پوشالی رژیم که تصور می‌کرد با وحشی‌گری و کشتار، مبارزات را مهار خواهد کرد، موج گسترده‌ای از اعتراضات دانشجویی در حمایت از قیام آبان ماه، حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان و محکوم کردن



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم‌دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله تی وی / شورا تی وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰  
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:  
دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: [Shora.tv@gmail.com](mailto:Shora.tv@gmail.com)، شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی